

پیکار جوانان

نشریه عمومی



جنبش انقلابی جوانان افغانستان

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

میزان ۱۳۸۷ (اکتوبر ۲۰۰۸)

شماره نهم

دور دوم

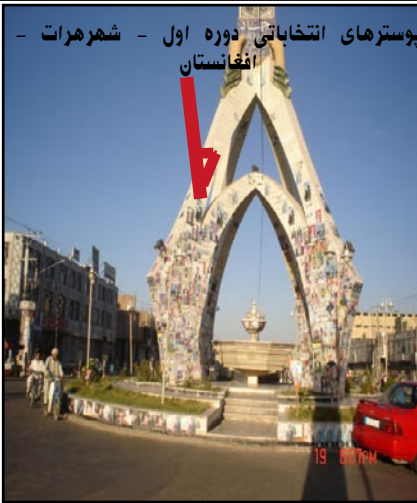
سرمقاله

چرا باید انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده تحریم گردد؟

کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات افغانستان برنامه آگاهی عمومی را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده، سر از تاریخ ۱۵ میزان ۱۳۸۷ آغاز نموده است! مسئولان این کمیسیون اعلان کرده اند که برنامه خود را برای نام نویسی رای دهندگان...
صفحه ۲

گزارش اکسیون اعتراضی به مناسبت تقبیح هفتمین سالروز اشغال کشور ما توسط امپریالیستها

"اتحادیه پناهندگان ملی دموکرات افغانستان مقیم اتریش" و "فدراسیون دفاع از حقوق دموکراتیک در اتریش" از سه هفته قبل طی فراخوانی از عناصر ضد تجاوز و اشغالگری امپریالیستی خواستند تا سالروز اشغال افغانستان توسط امپریالیست ها را... صفحه ۷



پوسترهای انتخاباتی دوره اول - شهرهات - افغانستان



پارلمان پوشالی افغانستان خادم امپریالیزم

بعد از تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور توسط یانکی ها و سائر امپریالیست ها، اشغالگران کوشیدند تا یک نیروی بی اراده مطیع و میهن فروش را پر و بال داده و بر مسند قدرت بنشانند. به این ترتیب لویه جرگه اضطراری و به تعقیب آن لوی جرگه اساسی را تشکیل دادند.
صفحه ۴

چهارمین آلبوم هنری جنبش انقلابی جوانان افغانستان به دست نشر سپرده شد

گروه هنری جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان چهارمین آلبوم هنری خود را بمناسبت تقبیح هفتم اکتبر سالروز آغاز کارزار تجاوزکارانه و اشغالگرانه امپریالیستهای امریکایی تقدیم مینماید. صفحه ۷



تظاهرات هزاران آلمانی در رابطه با اشغال افغانستان

امروز یکشنبه مورخ ۲۱ سپتمبر ۲۰۰۸ ما شاهد تظاهرات فوج عظیمی از مردم در شهرهای برلین و استوتگارت جرمنی بودیم.
صفحه ۶

چرا باید

انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده تحریم گردد ؟

کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات افغانستان برنامه آگاهی عمومی را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده، سر از تاریخ ۱۵ میزان ۱۳۸۷ آغاز نموده است! مسئولان این کمیسیون اعلان کرده اند که برنامه خود را برای نام نویسی رای دهندگان در چهار مرحله یک ماهه تا نیمه برج دلو سال جاری نهایی خواهند نمود.

مسئله عمده این است که پروسه ثبت نام رای دهندگان و به تعقیب آن روند برگزاری انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده در سال آینده باید با قاطعیت مورد تحریم همه جانبه قرار گیرد. دلایل تحریم انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده را میتوان ذیلا بطور مختصر بیان نمود:

۱. افغانستان یک کشور تحت اشغال نیروهای متجاوز امپریالیستی به رهبری امپریالیست های امریکایی است. این کشور فاقد استقلال سیاسی است و در حالت مستعمره قرار دارد. تمامیت ارضی افغانستان و حاکمیت ملی مردمان آن توسط اشغالگران پامال گردیده است. واضح است که بدون کسب استقلال و تامین تمامیت ارضی افغانستان و تثبیت حاکمیت ملی مردمان آن نمی توان از دموکراسی و تحقق آن در کشور سخنی هم به میان آورد. وقتی کشور ما مستعمره باشد، تمامیت ارضی آن پامال شده باشد و مردمان ما از حق حاکمیت ملی شان محروم باشند، اصولا هیچ مبنا و زمینه ای برای پیاده نمودن حقیقی دموکراسی نمی تواند در کشور وجود داشته باشد. در چنین حالتی مسئولیت عمده و درجه اول فرد فرد فرزندان این آب و خاک، مبارزه علیه اشغالگران و دست نشاندهان شان برای حصول استقلال و تمامیت ارضی

کشور و تامین حاکمیت ملی مردمان آن است. اشغالگران و دست نشاندهان شان از طریق برپایی به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری تلاش دارند این توهم را بر ذهن افغانستانی ها مسلط سازند که آزادی در قفس مستعمراتی ممکن است. این فریبکاری را باید قویا افشا نمود و نشان داد که این نمایش مضحکه آمیز نیز چیزی بهتر از جلسه خائنین ملی در بن و لویه جرگه های به اصطلاح اضطراری و اساسی نخواهد بود و به نتایج بهتر از آنها منجر نخواهد شد.

۲. رژیم دست نشانده یک رژیم ساخته و پرداخته اشغالگران امپریالیست است و مستقیما تحت اوامر و دستورات آنها کار می نماید. اینکه چه کسی و از کدام طریقی در راس این حاکمیت پوشالی قرار دارد و یا قرار می گیرد، کدام اهمیت اساسی ندارد و باعث تغییر در ماهیت و وطنفروشان و خائنانه ملی این رژیم نمی گردد.

۳. گردانندگان حاکمیت پوشالی و بطور مشخص تقریبا تمامی کاندیداهای اصلی انتخابات ریاست جمهوری، عناصر رهن، چپاولگر و جنایتکاری هستند که در بربادی کشور و دربدری مردمان آن، مستقیما نقش های بزرگی بازی کرده اند. بطور بسیار مشخص، رئیس کنونی رژیم پوشالی که به احتمال قریب به یقین یکبار دیگر از طریق به اصطلاح انتخابات عمومی کاندید خواهد شد، برای یک دوره طولانی چند ساله، یک "طالب" فعال بود و در تمامی جنایات چند ساله طالبان، مستقیما شریک بود و دست داشت. اما جنایت مهم تر و عمده تر وی به عهده گرفتن نقش سردمدار رژیم دست نشانده و قرار گرفتن در راس خائنین ملی بوده و خواهد بود.

۴. انتخابات ریاست جمهوری سال آینده

گویا طبق احکام قانون اساسی رژیم پوشالی صورت می گیرد. این قانون اساسی، هم از لحاظ محتوی و مضمون و هم از لحاظ چگونگی تصویب خود یک قانون ضد دموکراتیک است. این قانون اساسی توسط مجلس موسسانی که در نتیجه انتخابات عمومی انتخاب شده باشد مورد تصویب قرار نگرفته است، بلکه توسط لویه جرگه ای که فقط می توانست نمایندگی یک فیصد از اهالی افغانستان، آنهم یک تعداد میر و ملک و خان و ارباب و بروکرات و جنگ سالار را داشته باشد، به میان آمده است. بدتر از آن اینکه حتی همین لویه جرگه نیز یک لویه جرگه ساخته و پرداخته اشغالگران و قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی بوده است. بنا برآن حتی نه بر اساس معیار های انقلابی و مردمی، بلکه بر اساس معیار های معمولی ملی و دموکراتیک نیز، این قانون اساسی از مشروعیت برخوردار نیست. محتوی و مضمون این قانون اساسی به شدت ضد ملی است و هیچ راهی را برای نجات از حالت مستعمراتی کنونی کشور و کسب استقلال آن نشان نمی دهد. این قانون به شدت ضد دموکراتیک است و جدایی دین از دولت در آن رعایت نگردیده است. این قانون برای سرکوب توده ها حربه مذهب را محکم بکف گرفته و هر نوع حرکت سیاسی سکولار و غیر مذهبی را قابل سرکوب اعلام می نماید. این قانون تحت نام رئیس جمهور به یک فرد تمامی همان اختیاراتی را اعطا کرده است که پادشاه سابق افغانستان (ظاهرشاه) در قانون اساسی سال ۱۳۴۳ از آنها برخوردار بود.

۵. حاکمیت دست نشانده از لحاظ طبقاتی بخش عمده فیودال ها و کمپرادور ها را نمایندگی می نماید. این حاکمیت مدافع منافع طبقاتی همین دو طبقه استثمار گر است و منافع توده های وسیع مردم را

پامال می نماید. تمامی اقدامات این رژیم و مقدم بر آن اقدامات اربابان امپریالیست و اشغالگر شان، منجمله نمایش کنونی پروسه آگاهی عمومی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده، در همین راستا صورت می گیرد. به همین جهت نتایج انتخابات در سال آینده هر چه باشد و هر کدام از کاندیداهای ریاست جمهوری در سال آینده رویکار بیاید، بحال توده های مردم کدام فرق اساسی نخواهد کرد و به قول معروف " همان آش و همان کاسه " خواهد بود.

۶. پروسه جاری ثبت نام رای دهنده گان و آگاهی عمومی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده بر علاوه اینکه صد میلیون دالر هزینه برای آن از منابع امپریالیستی برآورد شده است، پروسه تحکیم و گسترش حضور قوت های اشغالگر امپریالیستی در کشور بحساب می رود. بطور حتم در جریان انتخابات سال آینده حضور این قوت ها افزایش خواهد یافت و بعد از انتخابات نیز بیشتر از پیش بر تعداد آنها افزوده خواهد شد، این مسئله را بارک اوباما چندین بار یادآوری نموده و گفته است که تعداد نیروهایی که بوش و شرکا به افغانستان اعزام کرده اند بسیار کم است. از هم اکنون این طرح ریخته شده است که بعد از انتخابات ریاست جمهوری تحت عناوین مختلف بر تعداد قوای اشغالگر امریکایی در کشور افزایش سرسام آوری به عمل آید. در دوره اول انتخابات ریاست جمهوری رژیم، همانطور که شاهد بودیم، هیچ یک از کاندیداهای اصلی ریاست جمهوری حتی با کنایه و اشاره و حتی از یک دید سازشکارانه و مزدور منشا نه نیمه مستعمراتی از ضرورت خروج قوای اشغالگر از افغانستان حرفی به میان نیاوردند. همه دیوانه و شیدای استفاده از " قوت ها و امکانات موجود بین المللی " بودند. همه تلاش داشتند که خود را بیشتر و بهتر از دیگران نوکر گوش بفرمان و خادم صدیق اشغالگران نشان دهند و به این طریق از سایر حریفان جلو بیفتند. انتظار دیگری نیز نمی توان داشت و نباید داشت.

همه این کاندیداها چه در دوره اول و چه در دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری رژیم در سال آینده استقلال و تمامیت ارضی کشور و حاکمیت ملی مردمان آنرا در بدل کسب قدرت و حاکمیت مزدور منشا نه امپریالیست های اشغالگر فروخته اند و باز هم می فروشند. ممکن است بعضی از کاندیداهای فرعی مخالف خوانی های خجولانه ای علیه قوای اشغالگر به عمل آورند، اما این مخالف خوانی ها دارای کدام ارزش واقعی نمی باشند، چرا که با تأیید برنامه انتخاباتی اشغالگران و از طریق شمولیت در آن، هرگز نمی توان علیه آنها مبارزه نمود.

۷. انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده در هر زمانیکه برگزار شود در حقیقت یک انتخابات دارای نتایج از قبل معلوم و مشخص است. این گفته در دوره اول انتخابات ریاست جمهوری نیز مصداق عملی پیدا کرد، زیرا در دوره اول هم به تمام معنی امکانات امپریالیست های اشغالگر و تمامی امکانات رژیم دست نشانده در خدمت روی صحنه آوردن دوباره حامد کرزی قرار داشت و تمامی رهبران تنظیم های " جهادی " موافق با رژیم دست نشانده یعنی مجددی، گیلانی، سیاف، ربانی، محسنی، خلیلی و کاظمی از شاخه دیگر حزب وحدت، پشت سر حامد کرزی صف کشیده بودند. قانون انتخابات و کمیون انتخابات هم هر دو ساخته و پرداخته حامد کرزی بود. به این ترتیب انتخابات دور دوم ریاست جمهوری رژیم نیز چیزی کمتر از دور اول خود نخواهد بود. حتی اگر شخصیت های پائین تر " جهادی " در دور دوم نیز کاندید شوند باز هم نقش شان صرفا می تواند یک نقش نمایشی باشد که فقط می تواند به درد بازار گرمی این نمایش بخورد، ولو اینکه این بازار گرمی با مخالفت خوانی ها و شعار های گرم و داغ همراه باشد! چرا؟

زیرا که این نوع حرکت ها لازمه این گونه نمایشات میباشد و به اصطلاح مرچ و نمک آن محسوب میگردد. همچنان در جریان انتخابات ریاست جمهوری رژیم در سال ۱۰. و بالاخره اینکه: اکثریت قاطع مردمان افغانستان در این انتخابات سهم نخواهند داشت، همانطوریکه در دور اول انتخابات صرفا اقلیت ناچیزی سهم گرفتند. حال که

آینده چهره های دیگری نیز کاندیدای این انتخابات خواهند بود که شاید حتی نقش نمایشی نیز نتوانند بازی نمایند. اینها یا تخیل گراهایی هستند که فکر می کنند مردم واقعا در موقعیت رای آزرادانه قرار دارند و یا به احتمال قوی تر برای فروخته شدن به شکل پولی و یا سیاسی به این صحنه داخل خواهند شد، ولی ممکن است کسی برای خرید آنها نیز اقدامی به عمل نیاورد.

۸. این انتخابات را امریکایی ها و سائر اشغالگران امپریالیست و به تبعیت از آنها دست اندر کاران به اصطلاح سازمان ملل متحد در افغانستان، به عمل خواهند آورد، همانطوریکه پروسه نمایشی جاری نیز طرحی از پیش ساخته و پرداخته امپریالیستهاست. برنامه ریزان اصلی شان هم خودشان هستند، اداره اش را هم اصلا خودشان بدست دارند و مصارفش را نیز خودشان تامین می نمایند و تامین کنندگان اصلی به اصطلاح امنیت این نمایش نیز خودشان هستند. این پروسه نمایشی ثبت نام مجدد رای دهندگان و به تعقیب آن انتخابات سال آینده برای به نمایش گذاشتن موفقیت های سیاسی بین المللی امپریالیست های اشغالگر به عمل می آید.

۹. در جریان دور اول انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده به خوبی دیده شد که پروسه توزیع کارت های رای دهی و به دنبال آن جریان انتخابات با تقلبات وسیع همراه بود. حتی شانزده نفر از کاندیداهای ریاست جمهوری دور اول؛ نتایج انتخابات را غیر قابل قبول اعلام نمودند. یقینا تقلبات وسیع تری در جریان پروسه جاری توزیع کارت های رای دهی و انتخابات سال آینده در پیش خواهد بود. در نتیجه کل پروسه انتخابات در واقع یک پروسه متقلبانه و فریبکارانه ای بیش نخواهد بود و کدام اساس و زمینه حقیقی نخواهد داشت.

۱۰. و بالاخره اینکه: اکثریت قاطع مردمان افغانستان در این انتخابات سهم نخواهند داشت، همانطوریکه در دور اول انتخابات صرفا اقلیت ناچیزی سهم گرفتند. حال که

با گذشت چهار سال از دور اول انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده، ثبت نام دوردوم پروسه انتخابات شروع شده است، یقیناً مردم به این پایه از درک رسیده اند که دستاوردهای انتخابات ریاست جمهوری رژیم در دور اول غیر از فریب و نیرنگ چیزی دیگری نبوده است و غیر از بدبختی برای مردمان این خطه چیز دیگری به ارمغان نیاورده و کدام ثمره مثبتی که بتواند اکثریت مردم ستمدیده این دیار را از فلاکت و بدبختی نجات دهد نداشته است. مردمان ما در جریان این چند سال با حادثات و فجاجع اسفباری که توسط

امپریالیستهای اشغالگر و رژیم پوشالی بوجود آمده دست و پنجه نرم نموده اند و بار دیگر فریب نیرنگ های این جانیان تاریخ را نخواهند خورد. مردمان ستمدیده این دیار به خوبی دانسته اند که انتخابات ریاست جمهوری یعنی پرده فریبی برای اذهان عموم، در خدمت تداوم اشغال و در خدمت تحکیم بیشتر استعمار.

به این ترتیب انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده هر زمانیکه برگزار شود و هر کسی را رویکار آورد فقط به درد تحریم خواهد خورد و بس!

بیائید با تحریم قاطع و سرتاسری انتخابات آینده ریاست جمهوری رژیم دست نشانده، این نمایش ریاکارانه و فریبکارانه را قاطعانه به ناکامی کشانیم!

چیزیکه افغانستان به آن نیازمند است خروج قوای اشغالگرا امپریالیستی و سرنگونی رژیم دست نشانده میباشد!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

۱۴ میزان ۱۳۸۷

پارلمان پوشالی افغانستان خادم امپریالیزم

بعد از تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور توسط یانکی ها و سائر امپریالیست ها، اشغالگران کوشیدند تا یک نیروی بی اراده مطیع و میهن فروش را پر و بال داده و بر مسند قدرت بنشانند. به این ترتیب لویه جرگه اضطراری و به تعقیب آن لوی جرگه اساسی را تشکیل دادند. در جریان این مدت کوشیدند بدانند که کی بهتر آماده خدمت به ایشان میباشد. بعد از حصول اطمینان، انتخابات فرمایشی و مضحکه یی ریاست جمهوری و پارلمانی را ترتیب دادند و دست نشاندهگان خویش را بر مسند قدرت نشانند و هر روز سعی دارند تا مهره های بهتری برای خدمت گزاری آماده سازند.

قوای سه گانه ای که امروز بنام دولت در افغانستان مسمی است، هر کدام شان خادمین امپریالیزم بوده و در میهن فروشی و اطاعت از باداران شان دست کمی از یکدیگر نداشته و ندارند. سردمداران رژیم پوشالی کنونی که عبارت از باند های جهادی-طالبی، خلقی-پرچمی، تکنوکراتهای غربی، شوونیست های افغان ملتی و یکمده از تسلیم طلبان خائن قبلا شعله یی میباشد، هر کدام سعی و کوشش دارد تا به باداران شان تفهیم نموده و عملاً به اثبات رساند که در چاکر منشی و میهن فروشی بهترین مهره است. دوره اول ریاست جمهوری رژیم پوشالی

بعد از اینکه مطمئن شد که آنها در جهت تامین منافع خائنین ملی و اربابان امپریالیستی شان در حرکت اند.

مساله عمده ای که مورد مشاجره با وزیر پیشنهادی داخله در پارلمان بود مساله امنیت بود. از او (حنیف اتمر) سوال داشتند که آیا میتواند "امنیت" را در کشور بوجود آورد و چطور؟ اتمر بصراحت این وعده را به ایشان سپرد که تمام توان و قدرتش را برای بوجود آوردن "امنیت" بکار خواهد انداخت، نیروی پولیس را افزایش خواهد داد و با همکاری نیروهای اشغالگر جدیت لازم را به خرج خواهد داد تا "امنیت" به کشور باز گردد.

درینجا منظور از امنیت، "امنیت" برای خائنین ملی و امپریالیستهای اشغالگر است و نه برای توده های زحمتکش افغانستان، زیرا در طی چند سال گذشته ثابت شده است که هر گاه توده های زحمتکش و یا قشری از اقشار جامعه روی خواست های برحق شان پافشاری نمایند و یا تظاهرات و اعتصابات راه اندازند، رژیم دست نشانده و اشغالگران فوراً عکس العمل نشان داده، به سرکوب خونین شان پرداخته و آنها را متهم نموده اند که میخواهند "امنیت عامه" را برهم زنند. با این اتهام ناروا آنها را اخلاص گر خوانده، عده یی را کشته و زخمی نموده و عده ای را دستگیر و روانه زندان نموده اند.

وزیر دیگری که مورد توجه پارلمان قرار گرفت

رو به پایان است و دوره دوم این نمایش به شکل مضحکتر از دور اول شروع خواهد شد. هر یک از کاندیداهای اصلی ریاست جمهوری رژیم دست نشانده از همین حالا در تلاش است که از یکطرف عوام فریبی نموده و مردم را گول بزند تا در انتخابات آینده حد اقل کسانی را بدنبال خود بکشاند و از طرف دیگر اربابان امپریالیستی شانرا خوش نگهدارد و آنها را متوجه سازد که هر گامی که بر میدارد در جهت تامین منافع ایشان است. بدین ملحوظ کرسی تغییرات ظاهری در کابینه اش بوجود آورد. او امید وار است که این تغییر و تبدیلی در "انتخاب" دوباره اش رول داشته باشد و هر کدام از وزرای بر حال تلاش نماید تا وی برای بار دوم "رئیس جمهور" این کشور مستعمره گردد؛ گر چه یقینی است که رئیس جمهور رژیم مطابق خواست کابینه و یا کدام شخص دیگری تعیین و انتخابات نمیگردد، بلکه این انتخاب مربوط به امپریالیزم امریکاست. هر کسی را که او تعیین نماید، رئیس جمهور خواهد بود.

کرزی سه نفر را به عنوان وزرای جدید (وزیر داخله، وزیر معارف و وزیر زراعت) به پارلمان برای گرفتن رای اعتماد روان نمود و پارلمان بدون چون و چرا برای هر سه وزیر آقای کرزی رای اعتماد داد، البته

فاروق وردک بود. پیرامون معارف سوالات متعددی از وی نمودند و مساله محوری این پرس و پالها موضوع "بلند رفتن سطح دانش" متعلمین بود. فاروق وردک به درستی متن اساسی این سوال را میدانست و در پاسخ گفت: تعهد می سپارد که سطح علمی شاگردان را بالا ببرد و معارف را کاملا از سیاست دور نگهدارد. در واقع چیزی را که در اصل پارلمان می خواست، فاروق وردک رک و صریح جواب داد. پارلمان که منافع خود و اربابانش را در جواب سوال جستجو می نمود، با جواب آقای وردک اقناع شده و رای اعتماد را نثارش کردند.

چرا رژیم پوشالی این قدر از سیاسی شدن متعلمین و محصلین درهراس است؟ جواب آن واضح و روشن است، زیرا با آشنا شدن متعلمین و محصلین با سیاست ملی و انقلابی، ماهیت خائنانه و وطنفروشانه، استثمارگرانه و ستمگرانه رژیم و مقدم بر آن ماهیت اشغالگران امپریالیست در نزد آنها افشا و رسوا می شود. سیاست انقلابی است که ماهیت طبقاتی استثمارگرانه و چهره خائنانه و ضد ملی رژیم پوشالی را بر ملا می سازد و توده ها را متوجه انقیاد ملی و خیانت رژیم پوشالی نموده و آنها را در جهت تامین منافع شان علیه منافع امپریالیستی و خائنین ملی به حرکت در می آورد. تا زمانیکه توده ها، منجمله روشنفکران با سیاست انقلابی آشنا نشوند و نتوانند که در پشت هر وعده و وعیدهای سیاسی، اخلاقی، دینی و غیره منافع طبقاتی را جستجو کنند، همواره قربانی فریب و خود فریبی می شوند. بدین دلیل است که کرسی و مجموع دست اندر کاران قوای سه گانه رژیمش تلاش دارند روشنفکران را از "سیاست" دور نگهدارند، تا بهتر بتوانند چند سال دیگر نیز بر مسند قدرت باقی بمانند و با عوام فریبی و نفاق افگنی آنها را بدنبال خود کشانده و از این طریق منافع اربابان شان را تامین نمایند. روی این ملحوظ می باشد که در تمام دانشگاه ها و مکاتب ذکور و اناث، مکتوبهای متعددی ارسال می گردد که هیچ محصل و متعلمی حق دخالت در سیاست را ندارد و به روسا و مدیران موسسات تعلیمی اجازه داده شده که هر زمانیکه تشخیص نمودند که محصل یا متعلمی در سیاست ذید

خل است فوراً او را اخراج نمایند.

بحثی که در پارلمان برای بالا بردن سطح دانش شاگردان صورت می گیرد، برای این نیست که وزیر معارف و یا وزیر تحصیلات عالی را متوجه این نکته سازند که باید برای بالا بردن دانش شاگردان جد و جهد نمایند. آنها خود به خوبی میدانند که امروز پائین ترین سطح دانش در جهان را محصلین و متعلمین افغانستان دارا هستند. این موضوع را نیز به خوبی میدانند که ۹۵ فیصد شاگردان فارغ التحصیل از صنوف دوازدهم املا و انشاء را بدرستی یاد ندارند. آنها هیچگاه از این ناحیه تشویشی نداشته و ندارند و به همین لحاظ هم هست که هیچ توجهی به معارف ندارند، چه از لحاظ معاش و سطح زندگی استادان، چه از بابت کمبود معلم، کتاب و صنوف تعلیمی و روز بروز این کمبودات و عدم توجه رژیم پوشالی به مکاتب زیاد شده می رود. تشویش و نگرانی شان از بابت پیوستن شاگردان به کدام حزب و یا سازمان سیاسی مخالف شان است. رژیم پوشالی بخاطر حفظ منافعش و پنهان نمودن چهره خائنانه اش از زمان بقدرت رسیدن تا کنون به تمام معنی سعی نموده تا معارف را از سیاست دور نگهدارد که تا حد زیادی در این امر توفیق نیز یافته است. اما این رسالت بدوش نیروهای انقلابی، ملی و دموکرات است تا هر چه بیشتر متوجه معارف بوده و کوشش نمایند تا مسایل سیاسی انقلابی را بدون مکاتب و پوهنتون ها ببرند، در غیر این صورت عمر حاکمیت خائنین ملی طولانی تر خواهد گردید.

سوالی که مربوط به وزیر زراعت بود، در مورد از میان بردن کشت مواد مخدر و پلان برای مناطقی بود که در آنها مواد مخدر کشت نمی گردد. این سوال هم بخاطر آن بود که پارلمان مطمئن گردد که آیا آقای وزیر میتواند پشتیبان خوبی برای ملاکین باشد یا خیر؟

آقای وزیر پارلمان را کاملا مطمئن ساخت که او حامی ملاکین و مافیای بین المللی مواد مخدر است. او در جواب گفت که تا جائیکه امکان دارد کوشش خواهیم نمود که کشت مواد مخدر را از بین بردارم و جاهائیکه کشت مواد مخدر صورت نمی

گیرد، دهقانان را با پشتیبانی جامعه جهانی حمایت نمایم تا متضرر نشوند. این گفته به این معنی است که به همان اندازه ای که امپریالیستها و شما خواهان آن باشید کشت مواد مخدر را از میان خواهیم برد و متباقی آن را به نفع امپریالیستهای اشغالگر، رژیم دست نشانده و مافیای بین المللی مواد مخدر دست نخورده باقی خواهیم گذاشت، یعنی کشت مواد مخدر در مناطق قندهار، زابل، ارزگان، هلمند و نیمروز که تحت رهبری سر باند مافیای بین المللی، ولی کرسی برادر حامد کرسی و اربابان انگلیسی و امریکایی اش میباشد دست نخورده باقی خواهد ماند.

منظور از کمک به دهقانان همان کمک به ملاکین میباشد، چنانچه در همین سال جاری میلیون ها دالر بنام کمک به دهقانانیکه مواد مخدر کشت نکرده اند آمد اما تمام این پول ها به جیب ملاکین ریخته شد، زیرا دهقانانیکه مقدار کمی زمین دارند نمیتوانند کوکنار بکارند. کشت کوکنار زور میخواید، نیروی مسلح می خواهد. این زور و نیروی مسلح را یا اراکین بلند پایه دولتی و ملاکینی که به شکلی از اشکال به یکی از جناح های رژیم وابسته باشد دارند و یا هم طالبان. صحبت در مورد از بین بردن کشت مواد مخدر و کمک به دهقانان یک فریب محض و تحمیق توده هاست و اطمینان بخشیدن به رژیمی است که سراپا فاسد بوده و در مسیر کشت مواد مخدر و حمایت از ملاکین و بیروکراتهای دست اندر کار در کشت و قاچاق مواد مخدر در حرکت است.

کمک اساسی و واقعی به دهقانان فقط و فقط از طریق حل مساله زمین و آب به نفع آنان می تواند صورت بگیرد، یعنی اصلاحات عمیق انقلابی ارضی از طریق بر پایی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی برای طرد نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم پوشالی. در غیر اینصورت تغییرات سطحی هیچ دردی از درد توده ها را بصورت اساسی دوا نخواهد کرد. تغییرات سطحی و تبدیل کردن مهره ها فقط و فقط بخاطر حفظ و بقای خائنین ملی و بر جا ماندن نیروهای اشغالگر در افغانستان صورت گرفته و می گیرد.

چنانچه در آستانه دومین دور انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری، رژیم دست نشانده باب مذاکره را با طالبان گشوده و از آنها خواست تا

گردد که نیروهای اشغالگر از طریق برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی تحت رهبری نیروی انقلابی پیش آهنگ از کشور اخراج گردیده و رژیم پوشالی سرنگون گردد و قدرت سیاسی در نهایت بدست کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه بیفتد یعنی انقلاب دموکراتیک نوین به پیروزی نایل گردد.

ماند".
منافع خائنین ملی بصورت تنگاتنگی با اشغال افغانستان گره خورده است. تا زمانیکه این نیروها در افغانستان باقی بماند خائنین ملی نیز بر قدرت تکیه خواهند داشت، دهقانان، کارگران و دیگر اقشار زحمتکش غارت خواهند شد و عناصر و نیروهای انقلابی، ملی و دموکرات مورد سرکوب قرار خواهند گرفت. منافع کشور و مردمان کشور زمانی تامین می

در انتخابات فرمایشی امریکائی شرکت کنند. طالبان گفتند که با بیرون شدن نیروهای خارجی از افغانستان در انتخابات شرکت می کنند. اما همایون حمیدزاده سخنگوی کرسی در روز سه شنبه ۱۳۸۷/۶/۳۰ بیرون رفتن نیروهای خارجی از افغانستان را نه پذیرفت و گفت:
" تا زمانیکه موجودیت ایشان در افغانستان ضرورت باشد، آنها در افغانستان خواهند

از گزارشگر پیکار جوانان
۳۱ سنبله ۱۳۸۷

تظاهرات هزاران آلمانی در رابطه با اشغال افغانستان

پلاکارتهای توسط نوجوانان حمل میگردید. پولیس آلمان تخمین میزند که حدود پنج هزار نفر در تظاهرات هر دو شهر اشتراک نموده بودند، درحالیکه سازماندهندگان این تظاهرات شمار بیشتر ازین را یاد آور میشوند. رسانه ها طی گزارشات امروز خود تظاهرات های مشابهی را در سایر شهرهای سائر کشورهای اروپائی نیز گزارش داده اند. تظاهرات کنونی در جرمنی در حالی برآه افتاد که رهبری ناتو اعلام کرد حدود ۳۵۰۰ نفر عسکر جرمنی فعلا در افغانستان مستقر میباشند. تظاهرات در ساعت دو بعد از ظهر به وقت آلمان با قطعنامه ای که توسط مجمع گروه صلح قرائت گردید خاتمه یافت. در این قطعنامه مجمع گروه صلح خواهان بیرون کشیدن عساکر آلمانی از افغانستان گردید.

امروز یکشنبه مورخ ۲۱ سپتمبر ۲۰۰۸ ما شاهد تظاهرات فوج عظیمی از مردم در شهرهای برلین و ستوتگارت جرمنی بودیم.
این تظاهرات که از ساعات نه صبح به وقت آلمان شروع شد در اعتراض به سهمگیری نظامیان آلمانی در جنگ افغانستان و اشغال مستقیم این کشور توسط نیروهای نظامی آلمانی به راه افتاد.
یک مجمع گروه صلح آلمان که متشکل از ۲۵۰ گروه صلح آلمانی میباشد این مظاهره را تحت شعار " برای صلح مجال بدهید! عساکر جرمنی از افغانستان بیرون شوند!" سازماندهی نموده بودند.
بیشترین چیزی که علاقه همه را به خود جلب کرد شعار ضد اشغال افغانستان بود! آلمانی هایی که در این راه پیمایی سخنرانی میکردند اکثرا خانواده هایی بودند که در جنگ افغانستان فرزندانشان را از دست داده بودند و یا کسانی بودند که ادعا داشتند فرزندانشان را دولت آلمان بدون اطلاع به افغانستان فرستاده است.
آنها در سخنرانی های خود افزودند که ما موافق جنگ افغانستان نیستیم، زیرا میدانیم که این جنگ یک جنگ تجاوزکارانه و اشغالگرانه است.
شعارهایی که روی پلاکارتهای به رنگ تیره بنفش نوشته شده بود به دو زبان جرمنی و انگلیسی بر جسته بود. این



هر کس که در طرف خلق های انقلابی قرار بگیرد انقلابی است. هر کس که در طرف امپریالیسم، فنودالیسم و کاپیتالیسم بوروکراتیک بایستد ضد انقلابی است کسی که تنها در گفتار جانب خلق انقلابی را بگیرد ولی کردارش غیر از آن باشد. یک انقلابی لفظی است. کسی که نه تنها در گفتار بلکه در کردار هم جانب خلق انقلابی را بگیرد، انقلابی به تمام معنی است.

گزارش اکسیون اعتراضی به مناسبت تقیح هفتمین سالروز اشغال کشور ما توسط امپریالیستها

رفقا و حضار، اکثریت گفتند که موقعیت این محل به مراتب پر جنب و جوش تر و پرازدحام تر از جلو پارلمان است و همگی ترجیح دادند اکسیون شان را درین محل ادامه دهند.

به این ترتیب پس از پخش اعلامیه به زبان آلمانی، فارسی و ترکی، با سر دادن یک سلسله شعارها و محکوم نمودن نیروهای تجاوز گر در افغانستان، مقاله دیگری به زبان آلمانی توسط یک دختر جوان قرائت شد که توجه عابرین و خصوصا محصلین و دانشجویان را بخود جلب کرد. در نهایت اکسیون پس از یک رشته گفتگو و بحث هایی که بصورت حلقات انفرادی شکل گرفته بود و با ابراز همدردی میان رفقا و نیروهای ملی مترقی و شخصیت های سیاسی و انقلابی که از ملیت های مختلف تشکیل شده بودند، با شور و هلهله با موفقیت پایان یافت.

اتحادیه پناهندگان ملی دموکرات
افغانهای مقیم اتریش (حریت)

۱۲ سپتامبر ۲۰۰۸

از آنجائیکه محل فوق در یک شاهراه پر ازدحام عابرین قرار داشت، صدای بلند گو و پلاکارت هایی که به زبان های آلمانی و فارسی نوشته شده بود: " امپریالیست های اشغالگر و ناتو از افغانستان خارج شوید "، توجه همگان را بخود شان جلب میکرد.

پس از آن رفیق دیگری با خوانش مقاله به زبان آلمانی، ادعای امپریالیست ها مبنی بر صدور دموکراسی، اعاده حقوق زنان و توقف کشت خشخاش در افغانستان را بی پایه خواند و استدلال کرد که با گذشت هفت سال از حضور نیروهای اشغالگر در کشور، مردم افغانستان از اشغالگران جز جنایت، آدم کشی، بمباران اهالی ملکی و تقویت جانی ترین قاتلان مردم، افزایش تولید و فروش مواد مخدر، فقر و بی روز گاری توده ها، ثمره دیگری نگرفته اند. بعد از قرائت مقاله رفیق مذکور، جمعی از حضار پلاکارت ها را به منظور راه پیمایی بطرف پارلمان ویانا حرکت دادند که بالاخره پس از یک سلسله گفتگو ها میان

" اتحادیه پناهندگان ملی دموکرات افغانهای مقیم اتریش " و " فدراسیون دفاع از حقوق دموکراتیک در اتریش " از سه هفته قبل طی فراخوانی از عناصر ضد تجاوز و اشغالگری امپریالیستی خواستند تا سالروز اشغال افغانستان توسط امپریالیست ها را توسط اکسیونی مورد نفرت و انزجار خویش قرار دهند. بهمین مناسبت نیروهای ملی مترقی، شخصیت های سیاسی انقلابی، زنان، جوانان و نوجوانان افغانستانی، ایرانی، ترک، اتریشی و غیره بتاريخ ۱۱ اکتوبر ساعت ۲ بعد از ظهر در مرکز شهر ویانا، واقع در جلو ساختمان مشهور و تاریخی Volks Oper، پلاکارت های شان را به اهتزاز در آورده و حرکت اعتراضی شان را آغاز کردند.

ابتدا رفیق انانسر با فعال کردن بلند گو شعار همدردی انترناسیونالیستی سر داد و به تعقیب آن حضار شعار را تکرار و دنبال نمودند. پس از آن رفیق دیگری به زبان آلمانی سخنرانی نموده ماهیت تجاوزگری امپریالیست ها را در افغانستان و عراق افشاء کرد.

چهارمین آلبوم هنری

جنبش انقلابی جوانان افغانستان به دست نشر سپرده شد

آلبوم هنری چهارم
جنبش انقلابی جوانان
افغانستان
بسوی آزادی

مرام نشراتی آلبوم نمبر چهار
- مسبرشهر آزادی
- دختر افغان
- آنین لوبن
- سکوت سرشار از نطقه ها
- آهنگ روسنا
- باران
- شعرار زمان
- روز حکم
- مهر آزادی
- ماتم سرا

وب سائیت : www.afghanistanrymo.org
ایمیل آدرسها: Paikarejawan@gmail.com
Jawanaan@gmail.com

گروه هنری جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان چهارمین آلبوم هنری خود را بمناسبت تقیح هفتم اکتبر سالروز آغاز کارزار تجاوزکارانه و اشغالگرانه امپریالیستهای امریکایی تقدیم مینماید. با فرا رسیدن شانزدهم میزان ۱۳۸۷ مطابق با هفتم اکتوبر ۲۰۰۸، کارزار تجاوزکارانه و اشغالگرانه امپریالیستی به سردمداری امپریالیست های امریکایی بر افغانستان، هفتمین سال پر از جنایت و فریبکاری اش را پشت سر میگذارد.

در چنین روزی بود که قوتهای نظامی امپریالیستی با شعارهای کاذبانه مبارزه "

علیه تروریسم" و بخاطر آوردن به اصطلاح دموکراسی و آزادی زنان در افغانستان این کشور را مورد تجاوز و اشغالگری قرار دادند. اگر به دوران مقاومت علیه سوسیال امپریالیسم برگردیم بخوبی دیده میشود که تروریست های امروز دست پروردگان و تربیه شدگان امپریالیستهای اشغالگر اند. امروز بزرگترین تروریست در جهان، امپریالیسم امریکاست که تمام جهان بخصوص کشورهای تحت سلطه را به ماتم کشانیده است.

اشغالگران امپریالیستی در طول هفت سالی که از کارزار تجاوز کارانه و اشغالگرانه شان میگذرد به کشتار مردمان بیگناه این سرزمین پرداخته اند و آتش بی خانمانی را بیشتر از گذشته دامن زده اند و از طرف دیگر قاچاق اطفال و زنان، رشد کشت و قاچاق مواد مخدر و اعتیاد در کشور، فساد اداری در دوایر دولتی، فقر و فلاکت توده های ستمدیده، بیکاری و مهاجرت، اختطاف و ترور، اختناق و بربریت، بیماری و رنج و هزاران هزار مصیبت دیگر که هر لحظه دامن مردمان ستمدیده این دیار را میگیرد، نتیجه این اشغالگری و دستاورد همین کارزار تجاوز کارانه و ثمره همین نظام منحط و پویشالی میباشد.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان و

دسته هشت مارچ زنان افغانستان با تقبیح سالروز کارزار تجاوز کارانه و اشغالگرانه امپریالیستها به سرکردگی امپریالیسم لجام گسیخته امریکا، چهارمین آلبوم هنری خود را که شمه ای از احساسات مبارزاتی میهن پرستانه و دلاورانه جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان را بازتاب می نماید، به پیشگاه مردمان آزادیخواه و مبارز کشور و مردمان مبارز سائر کشورها تقدیم می نماید.

بار دیگر یاد آور میشویم که در مبارزه علیه اشغالگران و دست نشانندگان شان از تمامی اشکال مبارزاتی انقلابی و ملی - دموکراتیک در خدمت تدارک برای برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی استفاده به عمل خواهیم آورد و برین اساس تلاش می نمایم که در تمامی عرصه های مبارزاتی فعالانه و خستگی ناپذیر به کار و پیکار انقلابی پردازیم، زیرا فقط قاطعیت و آشتی ناپذیری در مقاومت علیه اشغالگران است

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی!
زنده باد استقلال! زنده باد آزادی! زنده باد انقلاب!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

شانزدهم میزان ۱۳۸۷

که میتواند و قادر خواهد بود متجاوزین اشغالگر را از کشور اخراج نموده و رژیم دست نشانده را سرنگون نماید و افغانستان را در مسیر رهایی و آزادی حقیقی از چنگال امپریالیسم و بی عدالتی های اجتماعی رهنمون گردد.

برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و

از گزارشگر پیکار جوانان

۱۹ میزان ۱۳۸۷

خانه تلاشی های تجاوز کارانه امپریالیست های اشغالگر در قریه خان آباد ولسوالی چهار بولک ولایت بلخ



امروز عصر طی عملیاتی در قریه خان آباد ولسوالی چهار بولک ولایت بلخ عساکر اشغالگر امپریالیستی با پنج چرخ بال نظامی خویش به منطقه رسیدند. از آن جمله سه چرخ بال بخاطر تامین امنیت نیروهای اشغالگر در فضای قریه مذکور به مدت چند ساعت در حال گردش بودند و دو چرخ بال جنگنده آنها به منطقه فرود آمده و تعدادی از عساکر آیساف از آن ها پیاده شده و به تلاشی تجاوز کارانه خانه های مردم پرداختند.

همچنان عطاء محمد نور والی بلخ در پایان مصاحبه اش تلاشی ها را سوال برانگیز، خلاف قانون و وحشیانه خوانده گفت:

" تلاشی های خود سرانه " نیروهای آیساف " مردمان ما را واقعا به خشم آورده است. "

وی با تایید این خبر گفت:

" مسئولین بلند پایه دولتی باید در این زمینه اقدامات جدی تری را روی دست بگیرند. "

به هر صورت، طوریکه دیده میشود این انتقادات هم چندان جایی را نخواهد گرفت. اگر چه ذاتا انتقادات، اعتصابات و تظاهرات ها میتوانند

ماهیت اشغالگران امپریالیستی و رژیم دست نشانده را افشاء نمایند، ولی در ماهیت امر هیچ

تغییر و دگرگونی اساسی در وضعیت حاکم بر جامعه نمیتوانند به بار آورند. توده های رنج دیده

آنقدر از وضعیت فلاکتناز امروز به تنگ آمده اند که همه روزه میتوان از گوشه و کنار کشور صدای

اعتراضات شان را شنید. اما اشغالگران امپریالیستی و رژیم دست نشانده آنقدر بی مهابا و تجاوزکارانه

عمل میکنند که میتوان گفت صدای اعتراضات مردمی را اصلا نشنیده میگیرند و به عملکردهای

جنایتکارانه و تجاوزکارانه خویش ادامه میدهند.

نیروهای اشغالگر امپریالیستی از زمان آغاز تجاوز به این کشور تا حال جنایات بیشماری را مرتکب

شده اند. اگر چه این جنایات توسط تظاهرات ها و یا اعتصابات توده بی خود جوش افشا و تقبیح

شده اند، اما همانطوری که شاهد بوده ایم تمامی تظاهراتهای خود جوش توده ها به شکلی از

اشکال سرکوب گردیده و خواست های شان بر آورده نشده اند. اینکه رژیم دست نشانده به همراه

اربابان امپریالیستی اشغالگرش دست به هر عمل جنایتکارانه از قبیل همین تلاشی تجاوزکارانه

خانه به خانه و یا تلاشی زنان در ولایت ننگرهار و یا بمبارانهای کور کورانه و قتل و کشتار افراد

ملکی، به شمول اطفال و زنان و پیر مردان این سرزمین بزنند و هر گونه صدای اعتراضی علیه

جنایات سرکوب گردد و کاملا نادیده گرفته شود، خود به قانونی در خدمت دوام و بقای اشغالگران

امپریالیست و رژیم مزدور مبدل شده است. هر گونه اعتراضی در مقابل جنایات اشغالگران

امپریالیست و رژیم دست نشانده با مرمی پاسخ داده میشود و در گلو خفه می شود. کاملا نادیده

گرفته می شود.

جرم و جنایات اشغالگران آنقدر وسعت یافته است که نمیتوان آنرا تنها با انتقاد برطرف نمود،

بلکه یگانه راه بیرون رفت اصولی از معضلات کنونی بر پائی یک مقاومت ملی مردمی و انقلابی

تحت رهبری نیروی پیشاهنگ انقلابی است.

اشغالگران سفاک و خون آشام امپریالیست آنقدر

قریه که با آژانس خبری پژواک مصاحبه میکرد چنین گفت:

" اینگونه تلاشیها مخالف غیرت و رسوم و عنعنات افغانی هاست. اینگونه تلاشیها برابر

با تجاوز به ناموس ماست. " اختر محمد در ادامه حرفش بیان داشت که:

" عساکر خارجی غیر از دزدی و غارت زیورات مردم هیچ سندی به دست نیاوردند که دلالت بر کدام جرمی کند. "

وی ادامه داد:

" تا حالا خبر نیستیم که روی چه انگیزه ای منازل ما تلاشی شد و مردم ما لت و کوب

شد؟ "



این عساکر امپریالیستی که با خود مواد منفجره نیز داشتند برای شکستاندن قفل دروازه ها، بکس ها و الماری ها از مواد منفجره استفاده نمودند و بدون موجب به لت و کوب اهالی قریه پرداختند.

علت این حرکت عساکر اشغالگر اصلا معلوم نبود و هیچ کسی از قبل از آمدن عساکر آیساف اطلاعی نداشت. مردم محل ازین عمل جنایتکارانه امپریالیستها به شدت نگران شده و ازین موضوع شدیداً انتقاد کرده اند.

فرهاد عظیمی رئیس " شورای ولایتی " بلخ که خود شخصا ازین قریه دیدن نموده بود طی

مصاحبه ای به خبرنگار آژانس خبری پژواک به تاریخ ۲۲ میزان چنین گفت:

" آلتی که به واسطه آنها قفل های منازل شکستارنده شده بودند مارک امریکایی داشتند. "

وی گفت که با مسئولین آیساف در مزار شریف تماس گرفته و آنها در جواب برایش گفته اند که

این عملیات بنام " یخ شکن " بوده و از سوی بخش مبارزه با مواد مخدر و زرات " مورد داخله

" توسط عساکر خارجی انجام شده است !!

وی همچنان در اثناء مصاحبه گفت:

" تکرار چنین عمل خودسرانه ای میان دولت و مردم تفرقه به وجود می آورد و از دولت

خواسته ایم تا جلوی چنین عملکردهای خودسرانه را بگیرد. "

در زمینه خانه تلاشی های نیروهای اشغالگر امپریالیستی عطا محمد نور والی بلخ نیز آنرا

وحشیانه خوانده گفت:

" تلاشی بدون در جریان گذاشتن مسوولین ولایت انجام شده و ما تا کنون هیچ به جریان

اینگونه تلاشی نیستیم؟ "

یکنن از موی سفیدان قریه بنام حاجی محمد امین نیز طی مصاحبه ای به آژانس خبری

پژواک گفت که:

" نیروهای خارجی هشت منزل مسکونی را خود سرانه تلاشی کردند و تقریباً بیست نفر از

بزرگان و موی سفیدان قریه را نیز لت و کوب کرده اند. از آنجمله میتوان از حاجی محمد گل

که موی سفید ما است و یا از یک جوان ما بنام شاه محمد نام گرفت که به اثر لت و کوب این

عساکر خارجی وضعیت جسمی شان وخیم گزارش شده است!! "

وی ادامه داد که:

" عساکر خارجی لباسهای زنانه ما را تلاشی کردند، هر آنچه در مقابل شان آمد شکستاندند

و مقداری زیورات را نیز با خود بردند! "

یک تن دیگر بنام اختر محمد باشنده همین

بیشرمانه دست به جرم و جنایت میزنند که انتقادات مردمی خود مبدل به زمینه ای برای لذت بردن شان شده است. آنها از ینگونه انتقادات و تظاهرات ها لذت میبرند و به نوعی سرگرمی برای خود مبدل کرده اند. همه روزه ما شاهدیم که وحشت و ارعاب توسط امپریالیستها در گوشه و کنار کشور خلق میشود تا مردمان آزادیخواه این سرزمین را بترسانند و اجازه هیچگونه عکس العملی را برایشان ندهند. در مسیر جاده ها تمامی وسایط را مجبور میکنند که یا با سرعت کم

و با یک فاصله به تعقیب کاروان های نظامی شان شان حرکت کنند و یا اینکه در کنار جاده پارک نمایند تا نیروهای اشغالگر امپریالیستی از جاده عبور نمایند. خلاصه حق عبور و مرور آزاد در جاده ها را نیز اینان غصب کرده اند. قانون عمومی ترافیک در افغانستان اشغال شده این است که: در وحله اول کاروان های نظامی امپریالیستها عبور نمایند و بعد اجازه عبور و مرور به مردم داده شود. به هر حال، گزارش تکان دهنده خانه تلاشی های تجاوزکارانه و انتقادات شدید مردمی

بار دیگر بیان میدارد که حرکت های خود جوش نمیتواند سازنده و محرک اصلی مسیر انقلاب باشد. باید توده های ستمدیده این دیار دست به دست هم داده و در کنار هم و دوشادوش هم در مسیر برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی قدعلم نمایند تا باشد که اشغالگران سفاک و خون آشام را از پای در آوریم و دولت دست نشانده شان را سرنگون سازیم و در مسیر ایجاد جهان نوینی گام بگذاریم.

از گزارشگر پیکار جوانان
۲۲ میزان ۱۳۸۷

گزارشی از تظاهرات محصلین پوهنتون ننگرهار

صدها تن از محصلین پوهنتون ننگرهار بخاطر بر آورده شدن خواسته ها و حل مشکلات شان به مدت دو ساعت شاهراه کابل - جلال آباد را به روی ترافیک مسدود نمودند.

این تظاهرات صبح امروز دوشنبه مورخ ۲۲ میزان ۱۳۸۷ راس ساعت هشت صبح آغاز شد که تا ساعت ده صبح ادامه داشت. این تظاهرات در دو بخش درونته و شهر جلال آباد بره افتاد و مظاهرة کنندگان با شعار "اعتصاب حق مسلم ماست" همه محصلین را برای شرکت در تظاهرات فرا خواندند.

یک تن از محصلین پوهنحی تعلیم و تربیه که نخواست نامش فاش شود به گزارشگر پیکار جوانان گفت:

"پوهنتون قانونی تازه ای را طرح کرده که برای مان مشکل آفرین شده زیرا کسانیکه فیصدی نمرات شان از ۶۵ فیصد پائین تر باشد حق لیلیه برای شان داده نمیشود! این کار باعث شده کسانیکه از راه های دور و مناطق دور دست به اینجا آمده اند با مشکلات فراوانی روبرو شوند." یک تن دیگر از محصلانی که در این تظاهرات شرکت داشتند افزود:

"ما امروز تظاهرات کردیم تا برعلاوه لغو این قانون مسئله تعمیر پوهنحی تعلیم و تربیه را نیز مطرح کنیم زیرا پوهنحی تعلیم

و تربیه اصلا تعمیر ندارد و ما در زیر آسمان کبود درس میخوانیم." وقتی از این محصل پرسان شد که تعمیر پوهنحی تعلیم و تربیه ۲۴ اتاق دارد چطور در فضای آزاد درس میخوانند؟ در جواب گفت:

"۲۴ اتاق پوهنحی تعلیم و تربیه را پوهنتون به "رنا انستیتوت" تسلیم داده است و کلیه اتاقها توسط "رنا انستیتوت" تصرف شده و ما بی سرپناه مانده ایم." محصل دیگری که از لیلیه شکایت داشت چنین گفت:

"ما در لیلیه در هر اتاق ۲۵ نفر زندگی میکنیم! حجم زیاد محصلین در یک اتاق ۳ در ۳ ما را به کلی به تنگ آورده است!

شبهای مان سخت تر از زندان سپری میشود و پوهنتون اصلا در این زمینه توجه ندارد!" وی همچنان با تایید گفته های دوستانش از ندادن لیلیه به محصلین ولایات دور دست نیز شکایت داشت.

مسئول پوهنحی تعلیم و تربیه که ساعات ده صبح به دیدن تظاهرکنندگان آمد شکایت های محصلین را بجا دانست و گفت که آنها حق بجانب اند. "پوهنوال فرمان الله هیله من" که مسئولیت پوهنحی تعلیم و تربیه را برعهده دارد یاد آور شد که شکایت محصلین بجاست زیرا بدون لیلیه نمیتوانند آموزش درست ببینند.

نیروهای امنیتی پولیس که اطراف مظاهرة کننده گان را گرفته بودند در ابتدا کوشش می



نمودند از بر خورد خشونت آمیز جلوگیری نمایند، اما بعدا بنا به دستور رئیس پوهنتون ننگرهار پولیس به تهدید و ارعاب متوسل شدند. وقتی محصلین شاهراه جلال آباد - کابل را به روی ترافیک مسدود کردند " پوهاند امان الله حمیدزی " رئیس پوهنتون محصلین را شورشگر خطاب نموده و آنها را متهم ساخت که با حلقات سیاسی ضد دولتی دست دارند و نمی خواهند با مسئولین پوهنتون ننگرهار صحبت نمایند.

وی بعد از ساعات ده صبح محصلین را وادار نمود که دست از اعتصاب و تظاهرات کشیده و به پوهنچی های خود بر گردند در غیر آن با برخورد شدید پولیس مواجه خواهند شد. وی همچنان به محصلین وعده داد که برای فعلا قانون ۶۵ فیصد نمرات را معطل اعلان نموده و برایشان لیلیه خواهد داد. وی در ادامه گفته هایش افزود که با دولت مرکزی کابل نیز وارد صحبت شده و با وزیر تحصیلات عالی بخاطر کمبود جا نیز صحبت نموده است.

این تظاهرات مدت چند ساعت دوام کرد و ساعت ده ونیم صبح پایان یافت.

اما مسئله عمده ایکه امروز باید مطرح شود این است که با وجودی که شعار "اعتصاب حق مسلم ماست" شعاری کاملا به جاست اما در چنین دولتی اصلا قابل تطبیق نیست و هر عمل اعتراضی ایکه از محصلین لیلیه ها و یا محصلین پوهنچی ها سرزند رژیم دست نشانده آنها به گروه های سیاسی مخالف خود پیوند خواهد داد. ولی محصلین و متعلمین نباید ازین حربه رژیم پوشالی هراسی بخود راه دهند بلکه باید کوشش کنند که سطح دانش سیاسی خود را بالا برده و به یک نظم و تشکیل سیاسی که بتواند توده ها را ازین انقیاد بیرون کشیده و انقلاب دموکراتیک نوین را به پیروزی رساند بپیوندند. پیکار جوانان از شما و برای شماست. پیکار جوانان را مطالعه نموده و به جنبش انقلابی جوانان بپیوندید!

امروز جوانان باید بدانند که نبود اتحادیه دانشجویان و همچنان ضعف جدی جنبش

دانشجویی در کشور باعث بروز مشکلات زیادی برای دانشجویان می شود. جنبش انقلابی جوانان افغانستان از همان آغاز مبارزاتش پیوسته در تلاش بوده و هست تا برای بسیج فشرده جوانان دانشجو بخاطر تشکیل اتحادیه دانشجویان و تقویت جنبش دانشجویی کار و پیکار نماید.

جوانان که یک قشر مهم جامعه محسوب میشوند امروزه شدیداً زیر فشار قرار داشته و به شدت آسیب پذیراند. علی الخصوص جوانان محصلی که امروزه در پوهنتون های مختلف دولتی مشغول تحصیل اند بیشتر از طبقات پائین و فقیر جامعه می باشند.

جوانان باید بدانند که بدون شکل صنفی و سیاسی هر گونه حرکت شان به نفع اشغالگران و باند های مختلف رژیم دست نشانده ختم خواهد شد. امروزه وزرای کابینه کزری این شاه شجاع سوم معاشات چهل هزار دالری به جیب میزنند، در حالیکه معلمین مکاتب معاشاتی از سه هزار تا پنج هزار افغانی و استادان پوهنتون ها معاشاتی در حدود هشت هزار تا دوازده هزار افغانی دریافت می کنند.

امروزه سرمایه های باد آورده امپریالیست ها در گوشه و کنار کشور غوغا برپا نموده و برای بازسازی مستعمراتی بیش از حد و بطور سرسام آوری به مصرف میرسد، در حالیکه محصلین ما باید در فضای آزاد مشغول تحصیل باشند. چرا؟ زیرا که دولت مزدور امپریالیست هاست و به هر سازی که متجاوزین اشغالگر به صدا درآوردند رقص نموده و هر فرمان شان را مطیعانه اجرا می نماید.

چرا محصلین ما باید از حق تحصیل، حق لیلیه و حق اعتصاب برخوردار نباشند؟ زیرا دولت یک دولت فروپاشیده و پوشالی است و در خدمت اشغالگران امپریالیست قرار دارد. زیرا دولت که بصورت کذابی دم از دموکراسی میزند غیر از فجایع اسفبار چیز دیگری به ارمغان نیاورده است! زیرا دولت یک دولت مردمی و بخاطر منافع اکثریت مردم نیست بلکه یک دولت کاملاً دست نشانده و دست پرورده امپریالیست ها و بادران اشغالگرش میباشد.

به همین خاطر هم هست که صدای هر گونه

اعتراض در گلو خفه ساخته می شود و اگر کسی بخاطر بدست آوردن حقوق حقه خویش دست به تظاهرات و یا اعتصاب بزند و یا اینکه صدایش را از گلو بیرون برآرد، در جا خفه ساخته شده و صدای هر گونه خواست بر حق مردمی با گلوله داده میشود.

چون دولت دست نشانده با بوق و کرنا ترانه آزادی و آبادی وطن را سر می دهد، در حالیکه عساکر امنیتی، زندان، توپ و تفنگ را در اختیار گرفته و زیر رکاب اربابان اشغالگر امپریالیستی اش به جرم و جنایت، دزدی و خیانت، آدم کشی و قتل و کشتار بیرحمانه مردم در سراسر کشور می پردازد. ما جوانان تا زمانیکه وسیعاً متشکل نشویم، بسیج نگریم، حلقات مبارزاتی خود را سازماندهی نکنیم، سطح درک و فهم سیاسی و شعور سیاسی خویش را ارتقاء ندهیم و بخاطر تامین حقوق صنفی و سیاسی خود فعالانه دست به مبارزه نزنیم، روز های بدتر از روز های کنونی نیز به سراغمان خواهد آمد.

باید تمامی جوانان را به شکل و سازماندهی و بسیج فشرده مردمی فراخوانیم. باید رسالت و مسئولیت اجتماعی خود را در قبال وطن و مردمان وطن ادا نماییم. ما نباید منتظر کسی باشیم تا دستمان را گرفته و از زمین بلندمان کند. باید با درایت، هوشیاری و بیداری کامل عزم نبرد کرده و دوشادوش جنبش انقلابی جوانان افغانستان که یگانه نهاد ملی - دموکراتیک انقلابی کشور میباشد، برای برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی قد علم کنیم و بخاطر تامین استقلال سیاسی افغانستان و بخاطر رهایی و آزادی وطن و مردمان وطن رزم و پیکار نماییم و بدانیم که تا زمانیکه اشغالگران از کشور اخراج نشوند و دولت دست نشانده امپریالیست ها سرنگون نشوند، روز بهتر از روز های کنونی نصیب مان نخواهد بود.

پس با توجه به رسالت تاریخی و تعهد خارائین به منافع علیای توده ها و کشور با تمام توش و توان به پیش!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و دولت دست نشانده!

دامن زدن به منازعات زبانی در خدمت اشغالگران امپریالیست قرار دارد

گزارشی را که اینک خدمت تان ارائه میدارم گزارش برخورد پولیس با مظاهرة کنندگان پوهنتون بلخ میباشد.

امروز پنجشنبه مورخ ۴ میزان ۱۳۸۷ طی تظاهرات خونینی که توسط محصلین پوهنتون بلخ - مزار شریف به راه افتاد ۲۰۰ نفر زخمی گردیدند.

این چندمین بار است که بخاطر منازعات زبانی تظاهرات هایی در گوشه و کنار کشور بر راه افتاده است، اما تظاهرات امروز شکل خشونت بار تری نسبت به سال قبل اختیار کرده بود. در برج دلوسال گذشته نیز وزیر اطلاعات و فرهنگ رژیم دست نشانده و مزدور طی یک اقدام ضد ملی و مردمی بصیر بایی یکی از خبرنگاران " تلویزیون ملی " را بخاطر استفاده واژه هایی چون دانشگاه و دانشکده و دانشجو بجای واژه های پشتو و عربی از کار برکنار نمود و همزمان با این کار دو تن از مسئولین " ریاست اطلاعات و فرهنگ " را جریمه نقدی نمود که منجر به تظاهراتهای خیابانی در شهر مزار شریف گردید.

در تظاهرات های کنونی از یک طرف معترضین علیه وزیر " فرهنگ " و از طرف دیگر موافقین با وزیر " فرهنگ " شرکت داشتند. زخمی شدن تعداد زیادی از مظاهرة چیان در جریان درگیری ها چهره خائینانه رژیم دست نشانده را بخوبی افشاء نمود و بازی های سیاسی جنایتکارانه اش را به نمایش گذاشت. رژیم دست نشانده برای فریب دادن توده های کشور و سرگرم ساختن اذهان آنها مسائلی ازین قبیل را گاه و بیگاه مطرح می نماید و رسانه های وابسته و تسلیم طلب این مسائل را با بوق و کرنا به خورد مردم میدهند تا مشغله های فکری همگانی بوجود آمده و مسئله آزادی کشور، خروج نیروهای متجاوز و جنایاتی که هر روز اتفاق می افتد، پوشیده بماند. تظاهرات زمانی شروع شد که پولیس به فیر کلاشینکوف مبادرت ورزید. محصلینی که

بنا به گفته شاهدان عینی میخواستند تابلوی دانشگاه بلخ را در کنار تابلوی پوهنتون بلخ نصب نمایند با ممانعت پولیس مواجه میشوند. یکی از محصلین پوهنتون بلخ که تن مجروح یکی از همصنفی هایش را حمل میکرد چنین گفت:

" ما فکر کردیم که محصل شدیم. ما کفر کردیم که امروز بخاطر نصب یک تابلو با کلاشینکوف به ما جواب میدهند؟ " محصل دیگری گفت:

" چند روز پیش محصلین تصمیم گرفتند که در کنار تابلوی " پوهنتون " تابلوی " دانشگاه " را هم نصب کنند، زیرا کشور افغانستان که تک ملیتی نیست که متکی به یک ملت باشیم/ بر علاوه تمام مردم که پشتو زبان نیستند که صرفا متکی به پشتو باشیم. ثالثا ما خواستیم تابلوی دیگری نصب کنیم نخواستیم که تابلوی پوهنتون بلخ را پائین کنیم! اگر جرم است دولت بفرماید ثابت کند، ما محصلین میگوییم افغانستان یک کشور چندین ملیتی است و اگر به تاریخ افغانستان مراجعه کنید می بینید که در حدود ۳۴ زبان در کل کشور وجود دارد. اینکه مسائل شئون نیزم پشتون در حال رشد و گسترش است بخوبی هویدا است! دولت نمیخواهد مردم از حق تعیین سرنوشت شان برخوردار باشند! " محصل دیگری که از عملکرد دولت ناراض بود چنین گفت:

" خود وزیر " فرهنگ " پارسال در یک کنفرانس مطبوعاتی اش بیان داشت که در هر منطقه با زبان مادری باید تدریس شود و ما تعجب میکنیم که امروز در منطقه دری زبان بلخ اجازه نصب یک تابلوی دری را هم نداریم! پس معلوم میشود که حرف دولت اصلا از ریشه پوچ است! "

موقعیکه محصلین در نصب تابلو پافشاری نمودند، پولیس به فیر مرمی مبادرت ورزید. در ابتدا فکر میشد که فیر ها هوائی باشد. اما زمانیکه تن مجروح چند محصل بر زمین افتاد، محصلین با شعارهای ضد دولتی

تظاهرات خیابانی خود را شروع نمودند. اما پولیس از فیر کلاشینکوف ابااء نورزید و تعداد دیگری از محصلین را با مرمی زخمی نمود. اگرچه پولیس ادعا داشت که فیر هوائی بخاطر پراکندگی جمعیت صورت گرفته است، اما داکتران شفاخانه تایید کردند که هشت نفر در اثر فیر مرمی زخمی شده اند.

در تظاهرات خونین امروز حدود ۲۰۰ نفر زخمی شدند. تلویزیون غیر دولتی طلوع نیز گزارش مختصری از جریان این حادثه ارائه داشت و در آن از زخمی شدن ۲۰۰ تن که از آن جمله ۵ تن به فیر مرمی زخمی شده اند خبر داد، ولی از علت وقوع این حادثه معلومات همه جانبه ارائه نداشت. تلویزیون طلوع در ادامه گزارش اش یادآوری نمود که

وضعیت هنوز به حالت عادی بر نگشته و پولیس کلیه جاده ها را تحت کنترل خود در آورده است.

براستی چرا چنین اتفاقاتی باید بیفتد؟ همانطوری که ذکر شد رژیم دست نشانده و پوشالی برای سرگرم نگه داشتن توده ها گاه و بیگاه چنین مسائلی را دامن می زند. رژیم دست نشانده به همراه اربابان متجاوز و اشغالگرش مردمان این دیار را دایما به بهانه های زبانی، مذهبی، ملیتی و منطقه ئی از هم دور نگه میدارد تا بتواند ازین آب گل آلود ماهی ها بلکه نهنگ ها به نفع خود شکار نماید. نفع موثری که این منازعات و دامن زدن به آن ها برای اشغالگران و رژیم پوشالی دارد همانا مصروف ساختن اذهان توده ها به مسائل فرعی است تا بقاء و دوام اشغال، بقاء و دوام نظام منحط پوشالی، دوام غارت و چپاول سرمایه های ملی و نیروی ارزان کار و منابع مواد خام، تامین سود سرشار برای سرمایه های دلال و امپریالیستی، تامین تسلط همه جانبه بر کل منطقه آسیای میانه، آسیای جنوبی و خاور میانه و در یک کلام دوام و گسترش سلطه استعماری و نیمه استعماری بر کشور،

منطقه و جهان، بهتر و مستحکم تر تامین گردد.

چرا باید فریب نیرنگ اشغالگران و دست نشاندگان شان را بخوریم؟ چرا بخود نیاندیشیم؟ چرا به فکر استقلال و آزادی کشور و مردمان خود نباشیم؟ چرا ما توان به دست گیری استقلال سیاسی را نداشته باشیم؟ چرا نتوانیم کشور خود را به یک کشور پیشرفته و شگوفان بدل کنیم؟

چه خوش گفته است شاعر معروف فارسی:

با علم و عمل اگر مهیا نشویم
همدوش به مردمان دنیا نشویم
نادانی و بندگیست توام بخدای
ما بنده شویم اگر که دانا نشویم

براستی چرا تن به خواری، ذلت و انقیاد بدهیم؟ مردمان آزادیخواه این سرزمین هیچگاه در مقابل متجاوزین خارجی سرخم نکرده اند و عزت و آزادی خود را به هیچ قیمتی از دست نداده اند. اما امروز سردمداران رژیم پوشالی کوشش میکنند انقیاد طلبی و برده صفتی به مثابه یکی از ارکان عمده جامعه ما مانند سرطان ریشه بدواند. متجاوزین امپریالیست شبانه روزی در تلاش اند تا کشور را در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و خلاصه در تمام شئون زندگی بازسازی مستعمراتی نمایند!

پس مردم آزادیخواه این سرزمین باید مطلع باشند که بر پا شدن چنین غوغایی بخاطر بلند شدن تابلوی " دانشگاه "، چیزی جز تلاش بخاطر دور ساختن توده ها از همدیگر در اثر منازعات زبانی نیست. چون دانشگاه و دانشکده معادل واژه های پشتوی پوهنتون و پوهنچی است، در حالیکه واژه دانشجو معادل واژه محصل، که اصلا یک واژه کاملا عربی است، می باشد، بکار برد این واژه ها اصلا مشکلی نمی تواند تلقی گردد. از دید زبانشناختی، دانشگاه و دانشکده و دانشجو از واژه های اصیل پارسی دری است. اصلا در مورد مسائل زبانی تعصب جایی ندارد زیرا زبان یک پدیده اجتماعی است که نه الزاما موروثی است و نه هم بر اساس نژاد استوار است.

امروز در گوشه و کنار کشور فجایع روز افزونی توسط نیروهای اشغالگر امپریالیستی آفریده میشود. اما آگانه تلاش صورت می گیرد که ذهنیت توده ها روی منازعات زبانی و سائر مسائل فرعی متمرکز گردد. کار برد واژه های دری و دامن زدن به منازعات زبانی در میان قشر روشنفکر جامعه، شوونیست های طبقه حاکمه پشتون را فرصت میدهد تا از این امر در جهت تحمیق اذهان توده های پشتون استفاده

نموده و آنها را به بهانه های زبانی از توده های غیر پشتون جدا سازند!!! در کنار این مسئله، ناسیونالیستهای مرتجع ملیت های غیر پشتون توده های ملیت های خود را با تبلیغ همینگونه مسائل فریب داده و بدین وسیله آب در آسیاب امپریالیزم و ارتجاع و رژیم مزدور میریزند تا آنها را از مسئله عمده که همانا مبارزه فعال و پیگیر و بسیج همگانی توده های ملیت های گوناگون کشور علیه متجاوزین و اشغالگران و خروج آنها از کشور و سرنگونی رژیم دست نشانده و نظام منحط پوشالی است، دور سازند.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان به مثابه یک جنبش ملی - دموکراتیک کثیر المللی از تمامی توده های ملیت های مختلف کشور میطلبد تا همه دست بدست همدیگر داده و با بسیج و سازماندهی همگانی مردمی در جهت سرنگونی کل سلطه امپریالیزم از کشور و سرنگونی خائنین وطنی خادم و خدمتگزار امپریالیست ها حرکت نمایند. در شرایط کنونی باید توده های کشور با فرعی دانستن مسایل زبانی، مذهبی و ملیتی همه با هم بسیج گردیده و به کار و پیکار ملی مردمی و انقلابی فعالتر از گذشته آماده شوند. فقط از این طریق است که در فرجام شاهد فاجعه های تکانه دهنده و رقت بار جاری نخواهیم بود.

از گزارشگری پیکار جوانان

۲۷ میزان ۱۳۸۷

جنایت مرتکب شده امپریالیستها

در غزنی قابل تقبیح است



آنچه را که نمیتوان و نباید بخشید جنایات هولناک اشغالگران امپریالیست در گوشه و کنار کشور است.

آنچه را که تاریخ و مردمان آزادیخواه این سرزمین نخواهند بخشید خیانت ملی رژیم پوشالی است.

آنچه را که باید علم کرد همانا مقاومت ملی مردمی و انقلابی است. امروز برای بار دیگر امپریالیستهای اشغالگر آمریکایی یک زن و شوهر را که به همراه طفل پنج ساله شان بالای موتر سایکل از طرف شهر غزنی به سوی قریه سپنده عازم بودند مورد هدف قرار دادند.

این حادثه حوالی ساعت ۴ بعد از ظهر امروز شنبه ۲۷ میزان ۱۳۸۷ در حدود ۳۰۰ متری مرکز تیم نیروهای به اصطلاح بازسازی ولایتی (PRT) رخ داد.

در اثر شلیک مرمی مرد شدیداً زخمی میشود و زن و طفل پنج ساله اش از موترسایکل پرت میگردند و موترسایکل بالای شان واژگون شده و آنها نیز زخمی می شوند. مردم محل بعد از شنیدن صدای مرمی و صدای شیون همسر مرد شدیداً زخمی شده به محل حادثه نزدیک میشوند و می خواهند مرد شدیداً زخمی شده و خانم و طفل زخمی اش را از محل دورکنند. اما نیروهای متجاوز PRT بر روی مردم محل آتش گشوده و مردم را از محل متفرق میکنند. اگر چه در اثر این فیرها کسی از مردم محل آسیبی ندید، اما مرد زخمی در اثر خونریزی زیاد جان باخت. طبق گفته های همسر مقتول اگر امپریالیستها ممانعتی برای



حمل پیکر زخمی همسرش به وجود نمی آوردند، احتمالاً زیاد خون ریزی نمیکرد و کشته نمیشد.

طبق اظهارات همسر مقتول، سه مرمی به سینه و پهلوئی مرد اصابت کرده بود، اما برای یک ساعت زنده بود. ولی در این مدت به هیچ کس اجازه نزدیک شدن به محل داده نشد.

زن که با صدای بلند گریه میکرد و فریاد میکشید، میگفت:

" قسم یاد میکنم که خودم همراه تنها فرزند پنج ساله ام تفنگ بر خواهم داشت. ... چرا حرف مرا نمی شنوید! اگر تا دیروز بخاطر

اطفال معصوم فلسطینی گریه میکردید، امروز بیاید بخاطر خود گریه کنید! ببینید این سگ صفتان امریکایی بر سرهمسرم چه آوردند؟"

صدای زن که در محیط می پیچید مردم را بسیار متاثر ساخت. مردم خشمگین بعد از یک ساعت اجازه یافتند تا جنازه مرد مقتول را از محل دور کرده و همسر و تنها فرزند پنج ساله اش را به شفاخانه ببرند.

مرگ برنیروهای اشغالگرا امپریالیستی! مردمان آزادیخواه این سرزمین باید بدانند که راه حل معضلات بزرگ کنونی سکوت نیست، بلکه برپائی و پیشبرد مقاومتی است مبتنی بر اراده توده ها و رهبری نیروی پیشاهنگ انقلابی شان. به این خاطر برای برافراشتن درفش انقلاب و به وجود آوردن نظام سکولار مردمی یگانه راه نجات توده های ستمدیده این سرزمین همانا بر پائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی خواهد بود و بس.

از گزارشگر پیکار جوانان
۱۶ میزان ۱۳۸۷

گزارش تکان دهنده ای از

ولسوالی های غورماچ و بالا مرغاب ولایت بادغیس

امروز خانم حبیبی نماینده به اصطلاح منتخب مردم ولایت بادغیس در مشرانو جرگه پارلمان پوشالی طی مصاحبه ای به خبرنگاران گفت:

" شمار زیادی از مردم ولسوالی های غورماچ و بالا مرغاب با کمبود مواد غذائی مواجه اند و طی هفته گذشته چند تن از اهالی این ولایت با من تماس گرفتند و از من درخواست کردند تا مشکلاتشان را برای دولت بازگو نمایم. مردم در بعضی از ولسوالی های این ولایت بشمول دو ولسوالی یادشده به علت گرسنگی و نبود مواد خوراکی علف میخورند." !!

وقتی از خانم حبیبی سوال شد که دولت

هلاک شدند که بعد از دو روز مردم از جنازه هایشان اطلاع یافتند. " !!!

وقتی از بابت بازسازی و زمینه کار از خانم حبیبی سوال شد به این جواب دست یافتیم: " مردم بادغیس به دلیل بیکاری و فقر به ایران مهاجر شده و حتی بعضی مردم به صفوف مخالفین مسلح دولت کشانیده شده اند. " !!

این مسئله در حالی اتفاق می افتد که تنها مردمان ولایت بادغیس به این مشکل دچار نبوده و تنها مردمان دو ولسوالی غورماچ و بالا مرغاب به علف خوری روی نیآورده اند، بلکه گزارشات مشابهی نیز از ولایات بدخشان، غور، سرپل و غزنی نیز بدست مان رسیده است. به اساس خبرهای رسیده

در این زمینه تا حال چه اقداماتی کرده است، وی در جواب چنین گفت:

" ازینگونه افراد که شکایت از گرسنگی مردم ولایت بادغیس داشتند چندین بار به وزارتخانه های مربوطه مراجعه کرده اند ولی متأسفانه تا حال هیچگونه توجه در این زمینه صورت نگرفته است. " !!

وقتی خبرنگاران از وی پرسیدند که آیا علف کافی برای خوراک مردم در این ولسوالی ها موجود است، چنین گفت:

" در بعضی از مناطق هر دو ولسوالی ذکرشده به اثر خشکسالی علف کافی برای خوردن نیز وجود ندارد و طبق آخرین گزارشی که ما از ولایت بادغیس داشتیم یک خانواده ۶ نفره در ولسوالی بالا مرغاب به علت گرسنگی

اشغالگران را راه اندازی نموده و در فرجام قادر تقریباً سه دهه پیش مردمان این دیار توانستند به اخراج نیروهای اشغالگر از کشور گردیدند. در مقابل ارتش متجاوز سوسیال امپریالیست اینکه ثمره خون هزاران انسان این سرزمین را شوروی قد علم کرده و جنگ مقاومت ضد مرتجعین جلاد و فئودال - کمپرادور غصب کردند، خود تاریخ عبرت انگیزی دارد که پرداختن به آن در این گزارش مقدور نیست. به یقین روزی خواهد رسید که مردمان این خطه این جانیان سفاک را در دادگاه های مردمی خویش به محاکمه بکشانند.

امروز بار دیگر استعمار امپریالیستی به افغانستان هجوم آورده، فقر و بدبختی مردمان ما را افزایش داده و بیخانمانی و دربدری را بر ایمان به ارمغان آورده است. امروز همان شجاعت و شهامت پدران مورد نیاز است، همان دلاوری اجداد و نیاکان مورد نیاز است تا در مقابل امپریالیست های اشغالگر و خائنین ملی کنونی ایستادگی نموده و دوشادوش هم مقاومت بخاطر کسب استقلال را به پیش بریم.

ما باید از طریق برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی به کسب استقلال سیاسی کشور و سرنگونی رژیم دست نشانده نائل آئیم. این مبارزه و مقاومت اراده آهنین میخواهد تا بتوان در مقابل اشغالگران خون آشام و خود فروختگان و وطنفروشان بومی ایستادگی کرد. به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم مزدور و پوشالی!

در این اواخر شماری از مردم ولسوالی های سرحدی بدخشان، اجرستان غزنی و برخی مناطق دوردست و صعب العبور ولایات غور و سرپل به علت کمبود مواد غذایی، به خوردن گیاهان کوهی روی آورده اند!!!

معضله گرسنگی، قحطی و نبود مواد کافی خوراکی از یک طرف و آمد آمد سرمای شدید زمستان از طرف دیگر مردمان بی بضاعت این دیار را در اکثریت مناطق کشور به کام مرگ خواهد کشاند.

در جریان سال جاری خورشیدی یک پدر و مادر و دختر و پسر خورد سالشان در ولسوالی دره صوف پائین ولایت سمنگان در اثر گرسنگی جان باخته اند.

جای بس تأسف است! مردمان آزادیخواه این سرزمین از اثر سرما، مریضی، قحطی، خشکسالی، جنگ، بی خانمانی، دربدری، آوارگی، زورگویی و عوامل و فجایع اسفبار دیگری که همه و همه ریشه در اشغال کشور و حاکمیت پوشالی رژیم دست نشانده و در نهایت نظام ارتجاعی استثمارگرانه و ستگرانه حاکم کنونی دارند همه روزه به کام مرگ کشانیده میشوند، در حالیکه دولت مزدور صفت حاکم در رکاب اربابان اشغالگرش پا دوی می نماید و بخاطر منافع غارتگرانه مالی و قدرت سیاسی پوشالی مانند سگان کثیف دربار شاهی پابوس امپریالیستهای اشغالگر گردیده است.

مردمان آزادیخواه!

تقریباً سه دهه پیش اجداد و نیاکان ما بخاطر گرفتن استقلال سیاسی افغانستان سه جنگ افغان و انگلیس را رهبری کردند و بالاخره بعد از گذشت سه جنگ خونین و از دست دادن شمار زیادی از عزیزان خود توانستند استقلال سیاسی افغانستان را به دست آورده و به سلطه استعماری انگلیس بر کشور



از اعتصاب و تظاهرات مردم ولایت هرات پشتیبانی کنیم و اعتراض خویش را به مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده تبدیل نماییم

مردمان شریف و آزادیخواه کشور! امروز سومین روز اعتصاب و تظاهرات عمومی مردم ولایت هرات میباشد. این اعتصاب و تظاهرات به تاریخ ۲۶ میزان ۱۳۸۷ توسط صرافان شهر هرات براه افتاد و توسط داکتران، اهل کسبه و دکانداران شهر هرات پشتیبانی گردید. این اعتصاب و تظاهرات به منظور اعتراض علیه بی امنیتی رو به افزایش در هرات و بطور مشخص بخاطر اعتراض علیه ترور و قتل یک تن از صرافان شهر هرات بنام جلیل احمد و یک نفر همراهش و اختطاف صراف دیگری بنام زین الدین برادر جلیل احمد براه افتاده است.

اعتصاب کنندگان و شرکت کنندگان تظاهرات از دولت خواهان دستگیری و محاکمه جانین و باند آدم ربایان اند. ولی نباید فراموش کرد که دولت دست نشانده قادر به حل مسئله نیست و نه میتواند - و نه میخواهد - آنرا مورد رسیدگی قرار دهد. رژیم دست نشانده حامد کرزی خود عامل کشتار ددمنشانه توده های ستمدیده کشور و مردمان بی دفاع این سرزمین است.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان در اسناد و مدارکی که ارائه داده اند بار بار یاد آور شده و باز هم یاد آور میشوند که: "امپریالیست های تجاوزگر به سرکردگی امپریالیزم لجام گسیخته امریکا ادعا دارند که یکی از دستاوردهای لشکر کشی شان به افغانستان، تامین امنیت در این کشور است، حال آنکه در واقعیت امر تجاوز و اشغالگری عامل اصلی تمامی جنایات مرتکب شده از طرف رژیم دست نشانده و اربابان اشغالگرش میباشد. قوتهای ۳۷ کشور امپریالیستی و ارتجاعی خارجی به خاطر تامین رفاه و آسایش مردمان ما به این سرزمین قدم نگذاشته اند، بلکه بخاطر سرقت و غارت ثروت ها و بلعیدن گوشت و مکیدن خون میلیونها توده بی دفاع برای رسیدن به

اهداف شوم امپریالیستی شان در این سرزمین " قدم رنجه " فرموده اند. تمامی جنگ های غیرعادلانه ارتجاعی، تجاوزگری ها، قتل عام ها، غارتگری ها، پنخش مواد مخدر، تجارت زنان و کودکان، اختطاف و آدم ربائی و غیره را میتوان " دستاوردها " و " ثمرات " نظام امپریالیستی حاکم بر جهان دانست. این جنایات وحشتناک یکی از ضمایم بلا فصل کار کرد خون آشامانه سرمایه مالی است. ... " از زمان به وجود آمدن دولت دست نشانده حامد کرزی زمینه های مساعدی برای باندهای مافیایی به وجود آمده است و آنها میتوانند دست به هر عمل جنایتکارانه ای بزنند. بدون شک عاملین این جنایات باندهایی اند که اتر یکطرف توسط خود رژیم دست نشانده، مسلح، حمایت و پشتیبانی میشوند و از طرف دیگر با باند های مافیایی بین المللی در رابطه تنگاتنگ قرار دارند. "

بدین اساس چگونه می توان از چنین رژیمی توقع رسیدگی به منافع علیای توده ها را داشت. بدون شک همانطوری که اعتصابات افسران نظامی کشور، اعتصابات پر دامنه استادان و معلمین مکاتب، اعتصاب دریاوران شاهراه هرات - قندهار و هزاران اعتصاب و تظاهرات دیگر در گوشه و کنار کشور از طرف رژیم سرکوب شده و مورد هیچگونه رسیدگی قرار نگرفتند، این اعتصاب نیز به همان سرنوشت دچار خواهد شد. گر چه کمیسیون برای پیشبرد اعتصابات و تظاهرات فعلی تشکیل گردیده و رئیس این کمیسیون اعلان نموده است که: " تا زمانیکه هیئت بلند پایه دولتی به هرات نیاید و عمق فاجعه را نبیند و به خواسته های برحق ما جواب نگوید، ما این اعتصاب را دوام خواهیم داد. " بطور کامل مشخص است که این کمیسیون بازی، همانند سائر کمیسیون بازی ها، بخاطر انتخابات بعدی است و با رژیم پویشالی و هیئت اعزامی معامله گری صورت خواهد گرفت و خواست بر حق مردم بدون پاسخ خواهد ماند.

ما منسوبین جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان، پشتیبانی قاطعانه خود از این اعتصاب و تظاهرات را اعلام می نمائیم و یکبار دیگر یاد آور میشویم که: تا زمانیکه نیروهای اشغالگر از کشور اخراج نشوند، رژیم دست نشانده و مزدور امپریالیست ها سرنگون نگردد، تامین استقلال کشور به دست توده های زحمتکش صورت نگیرد و اهداف انقلاب دموکراتیک نوین در افغانستان تحقق نیابد، مشکلات اساسی توده ها همچنان بحال خود باقی خواهند ماند و بلکه عمق و دامنه بیشتری خواهند یافت.

مردمان شریف و آزادیخواه هرات! حرکت مقتدرانه شما را قاطعانه پشتیبانی مینماییم، تبلیغ برای آنرا یک مسئولیت جدی مبارزاتی خود به حساب میآوریم، موفقیت و پیروزی تانرا موفقیت خود میدانیم و در این راستا تمامی نیروها و شخصیتهای انقلابی، ملی و دموکرات را به حرکت اصولی و قاطع فرامیخوانیم.

زنده باد اعتصابات و تظاهرات
زحمتکشان!
به پیش بسوی برپایی و پیشبرد مقاومت
ملی مردمی و انقلابی!
جنبش انقلابی جوانان افغانستان
دسته هشت مارچ زنان افغانستان
۲۸ میزان ۱۳۸۷

از که باید بدرقه کرد؟

جنایت نافر جام و خیانت ملی خائنین وطنی

در ختم مراسم، بیرق قومندانی آیساف، طی مراسم خاصی با حضور قطعاتی از نیروهای رژیم پوشالی و نیروهای اشغالگر، به قومندان جدید قطعه کوهستانی ایتالیا سپرده شد.

واقعا جای تقدیر است؟! هنگامیکه اردوی پوشالی و خائنین وطنی در رکاب نیروهای اشغالگر امپریالیستی پادوی می نمایند!! واقعا جای تقدیر است؟! هنگامیکه فرزندان آزادیخواه این سرزمین بخاطر تحقق جنایات و طغیان خائنین ملی و اهداف شوم امپریالیستهای اشغالگر کشته می شوند!

واقعا جای تقدیر است؟! هنگامیکه فرزندان فریب خورده این سرزمین همچون چوب سوخت آتش جنگ اشغالگرانه امپریالیستها مورد استفاده قرار می گیرند!

واقعا برای خائنین ملی باید جایزه و مدال افتخار پاسبانی وفادارانه از منافع امپریالیست های اشغالگر عطا گردد! زیرا همانگونه که قومندان نیروهای آیساف توصیف کرد، اگر این خائنین ملی و این مزدوران بومی امپریالیستها نباشند امپریالیست ها نمیتواند نقشه های شوم شان را پیاده نمایند.

چهار ولایت را تحت کنترل خویش دارند.

برید جنرال والتو جوزف قومندان عملیات مشترک اردوی ایتالیا درین مراسم گفت:

"ماموریتی را که ما امروز در پیش رو داریم بسیار دشوار است. اما مطمئن هستیم تا زمانیکه نیروهای افغانی ما را در پیشبرد ماموریت مان همکاری نمایند هیچگونه دشواری را احساس نخواهیم کرد!"

وی در ادامه صحبتش با یادآوری از کشته شدن یک سرباز ایتالیایی و یک سرباز لیتوانیایی در مدت ماموریت شان در حوزه غرب گفت:

"تعهد و مهمان نوازی افغانها علی الخصوص والی ولایت هرات ما را در پیشبرد ماموریت مان و تامین امنیت کمک نموده است. به هر حال ازین همکاری شبانه روزی شان تشکر میکنم."

وی همچنان در پایان صحبتش در این مراسم اتمام دوره شش ماهه قومندانی جنرال فرانسیسکو ارینا تبعه کشور ایتالیا را به حیث قومندان آیساف در حوزه غرب اعلام کرد و از همکاریهایی که نیروهای رژیم پوشالی با وی انجام داده بودند قدردانی نمود!!

دولت دست نشانده امروز درقل اردوی ۲۰۷ ظفر ولایت هرات از باداران امپریالیستی اش بدرقه نمود! این بدرقه بخاطر تبدیلی قومندانی آیساف از قطعه سیار هوایی ایتالیا، به قومندان قطعه خاص کوهستانی اردوی ایتالیا تحت رهبری ناتو، صورت گرفت.

نیروهای امپریالیستی تحت رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا طی مراسمی که حدود سه ساعت را در بر گرفت از منسوبین دولت دست نشانده بطور آشکار و واضح همچون پادوهای اجیر استفاده نموده و این مطلب را به اثبات رساندند که به اصطلاح اردوی ملی افغانستان صرفا یک دارو دسته اجیر و نوکر گوش به زنگ بارگاه شان میباشد و بس!!

چند صاحب منصب اردوی پوشالی برای اربابان اشغالگر امپریالیستی در این مراسم نوشیدنی سرد توزیع میکردند در حالیکه اربابان امپریالیستی شان بر چوکی های اقتدار تکیه زده و شاهد رژه نظامی نیروهای ایتالیایی بودند!

در حال حاضر نیروهایی که در هرات مستقر اند متشکل از نیروهای ایتالیا، اسپانیا، لیتوانیا، امریکا، سلوانیا، آلبانیا، بلغاریا و دنمارک هستند و تحت قوماندان ناتو بر ولایات هرات، فراه، غور و بادغیس فرمانداری نموده و این

خلقهای سراسر جهان متحد شوید و تجاوز کاران امریکایی و سگهای زنجیری شان را در هم بشکنید! خلقهای سراسر جهان تهور داشته باشید، به خود جرأت پیکار دهید، از دشواریها نهراسید و موج به موج پیش روید. تنها در چنین صورتی است که سراسر جهان از آن خلقها خواهد شد و کلیه اهریمنان افغنی کفت محو و نابود خواهند گشت.

به مناسبت هفتمین سالروز آغاز تجاوز امپریالیستی بر کشور

با تمام قدرت و توان

در مسیر برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی

علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی به پیش رویم!

با فرا رسیدن ۱۶ میزان ۱۳۸۷ مطابق به ۷ اکتوبر ۲۰۰۸، کارزار تجاوزکارانه و اشغالگرانه امپریالیستی به سردمداری امپریالیست های امریکایی بر افغانستان، هفتمین سال پر از جنایت و فریبکاری اش را پشت سر میگذارد.

در چنین روزی بود که قوت های نظامی امپریالیستی با شعارهای کاذبانه مبارزه " علیه تروریسم "، " دموکراسی " و " آزادی زنان " از چنگال طالبان، افغانستان را مورد تجاوز و اشغالگری قرار دادند. اگر به دوران مقاومت علیه سوسیال امپریالیسم برگردیم، بخوبی دیده میشود که " تروریست " های امروز، دست پروردگان و تربیه شدگان دیروزی امپریالیست های امریکایی و متحدین و وابستگان شان اند. امروز در جهان بزرگترین تروریست امپریالیسم امریکا است که تمام جهان بخصوص کشورهای تحت سلطه را به ماتم کشانده است.

تحفه ای که اشغالگران امپریالیست بنام دموکراسی به افغانستان اهدا نموده اند عبارت از بمباران های هوایی و کشتار های دسته جمعی مردمان بی دفاع، کودکان، زنان و پیر مردان است. دموکراسی اهدایی امپریالیست ها به معنی دست باز رژیم پوشالی برای هر جنایت است، تا آزادانه تحت رهبری بادارانش هر خیانتی را که میخواهد انجام دهد. این " دموکراسی " به جز غم و اندوه، ترور و اختناق چیز دیگری برای توده های زحمتکش به ارمغان نیاورده است. در باره آزادی زنان باید گفت که: گرچه مکاتب به روی دختران باز شده و زنان کم و بیش میتوانند در کارهای بیرون از خانه شرکت نمایند؛ البته در صورتیکه کاری برای شان پیدا شود. اما وضعیت زنان در مجموع، نسبت به دوره طالبان کاملاً بدتر گردیده است. امروز آمار جنایت از قبیل سوختاندن، بریدن گوش و بینی، قطع کردن انگشتان پا، تجاوزات جنسی، اختطاف زنان و کودکان، تهدید زنان از طرف مقامات بلند پایه دولتی و... قوس صعودی خود را می پیماید و به حدی رسیده است که در هیچ کشوری از جهان اینچنین گسترده این جنایات را سراغ نداریم. امروز بزرگترین جنایات در حق زنان، بخصوص تجاوزات جنسی، از طرف مقامات بلند پایه دولتی و افسران اردو و پولیس رژیم پوشالی صورت میگردد. با آنکه رژیم پوشالی میخواهد این جنایات را بپوشاند، اما بسا اوقات خود اراکین دولتی مجبور میشوند به این جنایات اذعان نمایند.

بدین اساس حمله نظامی امپریالیستی بوش و شرکاء که در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ با نعره های دروغین " جنگ بر علیه تروریسم " آغاز گردید، سلسله استراتژیک طولانی ای است که اینک در مراحل آغازین خود قرار دارد. بی گمان این سلسله منحوس و ضد انسانی که در طی چند سال گذشته دهشت های بیشماری آفریده، اگر با مقاومت ملی مردمی و انقلابی توده های کشور مواجه نشود، میتواند فتنه و فساد وسیعی را برای آتش افروزی های بیشتر و پرحاشیه تر در منطقه و جهان زمینه سازی نماید.

در چنین شرایطی، رژیم پوشالی حامد کرزی، این شاه شجاع سوم، برای دامنه دار شدن هر چه بیشتر آتش جنگ، با شعار های فریبنده و دروغین ملیگرایی به اصطلاح افغانی و حتی پشتونیتی، هیزم کشی میکند. این رژیم ضد ملی و ضد مردمی بیشرمانه تلاش دارد اربابان امپریالیستش را قناعت دهد که قبل از " پرداختن " به ایران، حملات شان را بالای پاکستان " متوجه " نموده و دامنه جنگ تجاوزکارانه را به درون پاکستان نیز بکشاند. بمباران های هوایی طیارات امریکایی بر مناطق آنطرف خط دیورند، که امروزه شاهد آتیم، مراحل ابتدایی کشانده شدن دامنه تجاوزات آشکار قوت های اشغالگر به داخل پاکستان را نشان می دهد.

اشغالگران امپریالیست در طول هفت سالی که از کارزار تجاوزکارانه و اشغالگرانه شان میگذرد، وسیعاً به کشتار مردمان بیگناه این سرزمین پرداخته اند و در بدری و بی خانمانی مردمان ما را بیشتر از گذشته دامن زده اند. قاچاق اطفال و زنان، گسترش کشت و قاچاق مواد مخدر و اعتیاد در کشور، فساد اداری در دوایر دولتی، فقر و فلاکت توده های ستمدیده، بیکاری و مهاجرت، اختطاف و ترور، اختناق و بربریت، بیماری و رنج و مصیبت های بیشمار دیگر، که دامنگیر مردمان ستمدیده این دیار هستند، نتیجه همین اشغالگری و تجاوز و ثمره همین نظام منحط و پوشالی میباشد.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان با تقبیح سالروز کارزار تجاوزکارانه و اشغالگرانه امپریالیست ها به سرکردگی امپریالیسم امریکا، بار دیگر یاد آور میشود که در مبارزه علیه اشغالگران و دست نشانندگان شان از تمامی اشکال مبارزاتی انقلابی و ملی - دموکراتیک در خدمت تدارک برای برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی استفاده به عمل می آورد و برین اساس تلاش مینماید که در تمامی عرصه های مبارزاتی فعالانه و خستگی ناپذیر به کار و پیکار انقلابی بپردازد. ما قویا باور داریم که صرفاً قاطعیت و آشتی ناپذیری مقاومت در مقابل اشغالگران است که میتواند و قادر خواهد بود متجاوزین اشغالگر را از کشور اخراج نموده و رژیم دست نشانده را سرنگون نماید و افغانستان را در مسیر رهایی و آزادی حقیقی از چنگال امپریالیسم و بی عدالتی های اجتماعی رهنمون گردد.

برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی، با اهداف و شعار های مبارزاتی ملی، مردمی و انقلابی و مبتنی بر منافع و شرکت فعالانه توده های مردم، در عین حالیکه راه درست و اصولی مقاومت علیه تجاوز و اشغال امپریالیستی امریکا و متحدین و دست نشاندهانش را، به مثابه وظیفه عمده مبارزاتی در شرایط کنونی، عملاً به نمایش خواهد گذاشت، راه مطمئن و درست نجات از سلطه تاریک اندیشی و ارتجاعیت القاعده و طالبان و حزب اسلامی را نیز در عمل نشان خواهد داد.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان تمامی نیروها و شخصیت های انقلابی، دموکرات و ملی کشور را به حرکت اصولی و قاطع در این راستا فرا میخواند!

به پیش در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی!

مرگ بر اشغالگران امپریالیست و دست نشانندگان شان!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

هفتم اکتوبر ۲۰۰۸ (۱۶ میزان ۱۳۸۷)

اعلامیه سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی که به ایمل آدرس وب سایت جنبش ارسال شده است.

سال هفتم اشغال افغانستان توسط اشغالگران برهبری امریکا و موقف ما

افغانستان زیر نام مبارزه با "تروریسم" در اکتوبر سال ۲۰۰۱ از طرف قوای امپریالیسم امریکا به اشغال درآمد و ائتلاف بین المللی ۳۷ کشور برهبری امریکا بیش از هفتاد هزار سرباز را در افغانستان به قول خود شان برای صلح و ثبات، برقراری دموکراسی، مبارزه با مواد مخدر، احیای حقوق زنان و بازسازی، بکار انداخته اند.

از سال ۲۰۰۲ تا جولای ۲۰۰۸ افغانستان پانزده میلیارد دلار امریکایی را بنام کمک بین المللی بدست آورده است که وضع امنیت و صلح روز بروز خرابتر شده است.

به اساس احصایه هائی که از طرف رسانه های بین المللی ارائه گردیده تا به حال یک هزار سرباز قوای ناتو و صد هزار افغان به قتل رسیده اند که اکثریت این تعداد را افراد ملکی بشمول زنان، اطفال و سالخورده گان تشکیل می دهد. در اواخر ماه اگست امسال و لسوالی شیندند شهر فراه در غرب افغانستان مورد بمباران وحشیانه قوای هوایی امریکا قرار گرفت "طبق آمار گرفته شده از محل حدود ۱۶۸ نفر کشته که بیشترین قربانیان را زنان و اطفال تشکیل میدهند و در حدود ۲۴۰ نفر زخمی احصایه گیری شده اما دولت فاسد و پوشالی همراه با قوای هوایی نیروهای امپریالیستی این حقیقت را کتمان نموده..." (به نقل از اعلامیه "جنبش انقلابی جوانان افغانستان" - ۳ سنبله (شهریور) ۱۳۸۷) بر علاوه صدها هزار انسان در داخل کشور به اثر بمباران قوای هوایی امریکا از خانه های خود بی جا شده و فصل های زراعتی و باغ های شان به آتش کشیده شده است. جنگ نه تنها در افغانستان ادامه دارد بلکه به پاکستان هم سرایت نموده و بیکاری و گرسنگی ناشی ازین جنگ در حدود پنج میلیون نفر را تهدید به مرگ میکند.

حقوق و آزادی زنان جنبه های نمایی دارد یعنی چند خانم در پارلمان و دفترهای حکومتی بکار گماشته شده اند و در مقابل میلیونها زن در شرایط دشوار غیر انسانی، فقر و بیکاری و حاکمیت مردسالاری که قانون اساسی اسلامی از آن حمایت میکند، بسر می برند و شماری از زنان به اثر همین شرایط ناگوار حاکم خود را به دریا انداخته یا خود را آتش زده و یا از فراز خانه ها به پایین انداخته اند.

کشت خشخاش و تجارت مواد مخدر به اساس احصایه های ملل متحد به حدی زیاد شده که ۹۲٪ مواد مخدر جهان را افغانستان تهیه میکند. به اساس مصاحبه کرزی که با روزنامه تایم مؤرخه ۲۰۰۸.۹.۱ صورت گرفت در ظرف دو سال اخیر کشت خشخاش در ولایت هلمند سه برابر گردیده است و این در حالی است که بیش از پنج هزار سرباز برتانوی در آنجا وجود دارند.

افغانستان از نظر فساد اداری در جمله یکصد و هفتاد و نه کشور جهان در ردیف یکصد و هفتاد و دوهم قرار دارد.

رسانه های خبری غرب تبلیغ میکنند که در افغانستان انتخابات صورت گرفته، قانون اساسی وجود دارد و پارلمان و دولت به اساس آرای مردم انتخاب گردیده اند، ولی واقعیت اینست که در دستگاه دولت و پارلمان جمله افراد و احزاب جنایتکار دولتهای سه دهه اخیر، یکجاء شده که امریکا آنها را به خدمت گرفته و برضد منافع اکثریت مردم میباشند. مشاورین، وزرا و والیان دولت کرزی از جمله همین جنگسالارن اند که به گفته کرزی (معاش شانرا غربی ها می پردازند. ۲۰۰۸.۰۹.۰۱ - TIME).

حالا برای مردم جهان بصورت عام و برای مردم افغانستان خاصاً روشن گردیده است که "جنگ بر ضد تروریسم" بوش یک بازی سیاسی - نظامی است که مصیبت ناشی از آن متوجه خلقهای افغانستان و منطقه میباشد و کشورهایی که مدد رسان این فاجعه اند غیر ازینکه فرزندان خود را درین جنگ از دست بدهند و پول مالیات مردم را ضایع کنند، چیزی دیگری را بدست آورده نمیتوانند. از همین جاست که مردم افغانستان از هفت سال به اینسو قربانی می دهند و وضع شان بد ترمی گردد. باید سوال کنند که چرا وضع خرابتر میشود و چطور میشود که به این بحران خاتمه داد؟

اشغالگران به رهبری امریکا که مسبب اصلی جنگ، ویرانی و آفریننده ی مصیبت اند؛ کشور پاکستان یا ایران را ملامت میکنند و برای غلبه بر بحران، استراتژی را تغییر میدهند و بر فرستادن نیروهای بیشتر جنگی و شدت بخشیدن جنگ تکیه میکنند. در نتیجه جنگ و بحران دامنه دارتر شده و بیشترین رقم تلفات را مردم عادی متقبل میشوند و کشور ما به ویرانه مبدل میگردد.

یگانه راه نجات را مردم افغانستان درین می بینند که اشغالگران به رهبری امریکا به اشغال و تجاوز خود خاتمه دهند و دست از حمایت دولت کرزی که یک دولت مزدور و برای مردم زحمتکش افغانستان بیگانه است، بردارند و بگذارند تا مردم افغانستان سرنوشت سیاسی خود را خود و بدون مداخله اشغالگران تعیین کنند.

ما از مردم جهان و از مردم آلمان میخواهیم که از خواست عادلانه مردم افغانستان مبنی بر اخراج قوای اشغالگر و به رسمیت شناختن حق حاکمیت ملی و استقلال افغانستان، پشتیبانی کنند و نگذارند که فرزندان شان در افغانستان بخاطر منافع امپریالیستی قربانی شوند و پول مالیات شان در راه مصارف نظامی به هدر رود یا به کرسی نشینان دولت کرزی که حساب شان از حساب مردم زحمتکش افغانستان جدا است، تکیه نماید.

مردم افغانستان این را حق خود میدانند که برای بیرون راندن اشغالگران به مبارزه و مقاومت خود ادامه دهند و برای بدست آوردن استقلال و برپایی یک دولت ملی و مردمی به اساس اراده و خواست خود تلاش نمایند.

برای رسیدن به این هدف، اتحاد و یگانگی تمامی نیروهای افغانی ضد اشغال و تجاوز و پشتیبانی مردم جهان ضروری است.

ناتو برهبری امریکا به قتل عام مردم افغانستان پایان دهید!

اشغالگران بر رهبری امریکا از افغانستان خارج شوید!

مرگ بر اشغالگران و دولت مزدور کرزی!

برای افغانستان مستقل ملی و دموکراتیک مبارزه نمایم!

سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی

اکتبر ۲۰۰۸

خانه تلاشی های تجاوزکارانه امپریالیست های اشغالگر در قریه خان آباد ولسوالی چهار بولک ولایت بلخ
 امروز عصر طی عملیاتی در قریه خان آباد ولسوالی چهار بولک ولایت بلخ عساکر اشغالگر امپریالیستی با پنج چرخ بال نظامی خویش به منطقه رسیدند. از آن جمله سه چرخ بال بخاطر تامین امنیت نیروهای اشغالگر ---
 صفحه ۸

گزارشی از تظاهرات محصلین پوهنتون ننگرهار
 صدها تن از محصلین پوهنتون ننگرهار بخاطر بر آورده شدن خواسته ها و حل مشکلات شان به مدت دو ساعت شاهراه کابل - جلال آباد را به روی ترافیک مسدود نمودند. صفحه ۱۰

دامن زدن به منازعات زبانی در خدمت اشغالگران امپریالیست قرارداد
 گزارشی را که اینک خدمت تان ارائه میدارم گزارش برخورد پولیس با مظاهره کنندگان پوهنتون بلخ میباشد. امروز پنجشنبه مورخ ۴ میزان ۱۳۸۷ طی تظاهرات خونینی که توسط محصلین --- صفحه ۱۲

جنایت مرتکب شده امپریالیستها در غزنی قابل تقبیح است
 آنچه را که نمیتوان و نباید بخشید جنایات هولناک اشغالگران امپریالیست در گوشه و کنار کشور است. آنچه را که تاریخ و مردمان آزادیخواه این سرزمین نخواهند بخشید خیانت ملی --- صفحه ۱۳

گزارش تکان دهنده ای از ولسوالی های غورماچ و بالامرغاب ولایت بادغیس
 امروز خانم حبیبی نماینده به اصطلاح منتخب مردم ولایت بادغیس در مشرانو جرگه پارلمان پوشالی طی مصاحبه ای به خبرنگاران گفت... صفحه ۱۴

از اعتصاب و تظاهرات مردم ولایت هرات پشتیبانی کنیم و اعتراض خویش را به مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده تبدیل نماییم
 (اعلامیه منتشره ۲۸ میزان ۱۳۸۷) صفحه ۱۶

از که باید بدرقه کرد؟ جنایت نافرجام و خیانت ملی خائنین وطنی
 دولت دست نشانده امروز در قتل اردوی ۲۰۷ ظفر ولایت هرات از باداران امپریالیستی اش بدرقه نمود! این بدرقه بخاطر تبدیلی قومندانی آیساف از قطعه سیاره هوائی ایتالیا، به قومندان قطعه خاص کوهستانی اردوی ایتالیا تحت رهبری ناتو، صورت گرفت صفحه ۱۷

با تمام قدرت و توان در مسیر برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی به پیش رویم!
 (اعلامیه منتشره بمناسبت هفتمین سالروز آغاز تجاوز امپریالیستی بر کشور ۱۶ میزان ۱۳۸۷) صفحه ۱۸

سال هفتم اشغال افغانستان توسط اشغالگران برهبری امریکا وموقف ما
 اعلامیه سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی بمناسبت اشغال افغانستان توسط نیروهای امپریالیستی - صفحه ۱۹

خلفهای ستمدیده و ملل رنج کشیده هرگز نباید برای کسب آزادی چشم امید به "خردمندی" امپریالیسم و سگهای زنجیری آنها بدوزند. آنها فقط با تحکیم همبستگی و مبارزه پیگیر خود است که می توانند شاهد پیروزی باشند و آنرا در آغوش کشند.

نشانی های جنبش انقلابی جوانان افغانستان
 وب سایت (تارنمای) جنبش انقلابی جوانان افغانستان :
www.afghanistanrymo.org
 پست های الکترونیکی (ایمیل آدرسها) :
 مقالات و گزارشات تان را به این ایمیل آدرسها به ما ارسال بدارید:
paikarejawanan@gmail.com
basoye@hotmail.com
soray1364@yahoo.com
 نظرات - پیشنهادات و انتقادات تان را به این ایمیل آدرسها به ما ارسال بدارید:
jawanaan@gmail.com
afghanistan123@hotmail.com

